

صحیح  
تعمیر



صفحه روزگار حرف حق را ضبط می کند

## نقش سید جمال الدین

آورد و موجب شد در محافل مذهبی و روشنفکری آن زمان مسائل تازه‌ای عنوان گردد و در همین اقامت کوتاه به مصریان درس مبارزه با استعمار را آموخت.

در محرم سال ۱۲۸۷ هجری قمری، جمال الدین دوباره وارد مصر شد. او مجدداً آموزش طلبه الازهر را بعهده گرفت. سید جمال میدانسته است که الازهر فکرساز جامعه مصر است و اگر توانست دگرگونی در تفکر الازهریها پدید آورد جامعه مصر دگرگون خواهد شد.

در این زمان از قضا نخست‌وزیر و رئیس دولت مصر ریاض پاشا بود که مرد نسبتاً روشنی بود و از دیکتهای روز افزون انگلیس به مصر نیز راضی نبوده است. ریاض پاشا با سید جمال ملاقات کرد و شدیداً تحت تأثیر او قرار گرفت و از او خواست به روشنگری خود ادامه دهد.

از این پس سید جمال برنامه گسترده درس و سخنرانیهای

سید جمال الدین بدون تردید پایه‌گذار نهضت‌های اسلامی در سراسر جهان است. در مصر نیز او بود که برای نخستین بار موجی از بیداری و رنسانس اسلامی را بوجود آورد.

سید جمال الدین در اواخر سال ۱۲۸۵ هجری برای اولین بار در سرزمین مصر وارد گردید. در این زمان استعمار انگلیس سایه شوم خود را بر سرزمین مصر گسترانده بود. پیش از اینکه سید جمال پسا در سرزمین مصر بنهد، آوازه او بعنوان یک مصلح انقلابی اسلامی و ضد استعماری بگوش افراد فکور و اندیشمند مصر رسیده بود و از همین رو بود که بمحض ورود سید جمال به مصر افراد علاقمند از قشرهای گوناگون علماء و دانشگاهیان و کسارگران و زحمتکشان به دیدارش آمدند.

(۱) در مصر سید جمال از یکسو جلسات اجتماعی را برپا انداخت که در آن افراد عادی از توده مردم و جوانان و دانشجویان



عمومی را شروع کرد. او حکمت الهی، فلسفه، فقه اسلامی و غیره درس میداده است و مسائل علمی و فنی را با مسائل اجتماعی و سیاسی در هم آمیخت. نخست سید جمال در منزل خود درس می‌گفت ولی سپس محل درسش از منزل به دانشگاه الازهر منتقل شد. شیخ محمد عبده که پس از سید جمال نهضت او را در مصر ادامه داد در همین درسها با سید جمال تماس پیدا کرد.

سید جمال در مصر پی برد که چهل علماء و جور زمامداران و گسترش استعمار دردهای اصلی جامعه مصر است و از آغاز جهاد را علیه این عناصر آغاز کرد. او شدیداً تلاش کرد تا بآموزههای قرون انحطاط را نسبت به ماهیت و محتوای اسلام بزداورد و اسلام اصیل را در چهره تابناکش عرضه نماید و خرافات و اوهام را که در

شرکت داشته و از سوی دیگر درسی را برای طلبه و علمای الازهر شروع کرد. (۲) او تلاش خود را از یکسو به تحول در میان قشر علماء و از سوی دیگر به دگرگونی فکری نسل جوان متمرکز نمود. مدت اقامت سید جمال در مصر در این سفر چهل روز بود. در این مدت بدانشگاه الازهر رفت و آمد میکرد و گاهی خطابه‌ها و سخنرانیهای عمومی ایراد میکرد. در سخنرانیها سید جمال سیاست دولت خدیو را که مصر را با استعمار وابسته ساخته بود به باد حمله میگرفته است. دولت بهش از این توانست تاب تحمل بیاورد و او را از مصر تبعید کرد.

ولو اینکه اقامت سید جمال در مصر کوتاه بود ولی در همین مختصر برخورد او دگرگونیهای عمیق در تفکر بسیاری از طلبه‌های جوان الازهر بوجود



بسم الله الرحمن الرحيم

در میانه روز پنجم شوال ۱۳۱۴ راه نیکوفر جامی که حرکت نهضت‌های اسلامی ملل جهان را از خود عبور می‌دهد انری از «خون» گرفت. خون شریفی که امروز بنیان آن راه را به او نسبت می‌دهند. خون عالم مجاهدی که با زبانش بذر رهائی را در سرزمین‌های اسلامی می‌افشاند و با قلمش نقش دستیاری خلق را به دستاویز محکم فلاح (عسرةالوثنی) می‌نگاشت. سید جمال در تاریخ مبارزات حق طلبانه ملل شرق طریقی نو گشود. طریقی که راهسای به اهداف مقدس آزادیخواهان را سهل‌تر و سریع‌تر امکان وصول می‌داد. طریقی که با رسیدن به اهدافی چون آزادی سیاسی و تساوی اجتماعی پایان نمی‌گیرد بلکه به سبب مایه‌گیری از اهداف بلندپایه معنوی آرمانهای بالارزش دنیائی را به حد کمال میرساند و با اتصال آن به دنیای جاودانه‌ها آن را پرتیرتر می‌نماید.

طریق نوی که او گشود تاکنون بهر رو نمانده است امروز در سرزمین‌هایی مثل افغانستان، تونس، سودان و مصر بدرهائی که او با دست خود کاشت از دل خاک سر برداشته‌اند و دیر نیست تا جهانیان شاهد به ثمرنشتن آنها باشند.

آنچه در میان ملت مصر و سایر مسلمین منطقه رخ داده نمی‌تواند از اقدامات مصلحانی چون سید جمال‌الدین اسدآبادی مایه نگرفته باشد. حماسه‌هایی که در مصر آفریده می‌شود در سیمای خود نشان‌هایی از قیام آن رادمرد مبارز را دارند. حماسه مبارزین مسلمان مصری که یکی از یاران شیطان را به دیار جهنم رهسپار کرد ثمره پربهای همان دانه‌هایی است که سید جمال در بسط افکار و اذهان مردم مصر پاشید.

سید جمال در طول مبارزات خود دو بار در سالهای ۱۲۸۵ و ۱۲۸۷ به این دیار سفر کرد. و در هر دو بار با استقب

جوانان مشتاق و پرشور مصری که تشنه حقیقت و عدالت بودند روبروگشت. او در دانشگاه الازهر برایشان سخن می‌گفت و تدریس می‌کرد و انگیزه‌های متعالی خود را به فکر و اندیشه آنها منتقل می‌نمود و جسم گر گرفته آنها از التهاب اندیشه‌های سید جمال شوق بی‌حد و حمصری برای جهاد و شهادت می‌یافت سید در صحبت‌هایی که برای مردم مصر می‌کرد همچون وقتی که به سایر ممالک مسلمان نشین پا می‌گذاشت چراغ روشنگری خود را برایشان می‌افروخت که شعاع این فروغ زندگی را به کام سلاطین شب پرست تلخ می‌نمود.

در یکی از این سخنرانی‌ها می‌گوید: «چرا با این دستهای رزمنده سینه سیاه ستمگر را نمی‌شکافی و چرا قلب کسانی که ثمره دسترنج تو را می‌ربایند از هم پاره نمی‌کنی». سید در مصر انجمن وطنی یا «حزب الوطنی» را پایه گذاشت که پایگاه پراهمیتی برای مبارزه علیه استعمار انگلیس بشمار میرفت. به جهت اینکه اقدامات و فعالیت‌های نظیر آن بود که مدت اقامت‌های کوتاه سید در هر دو بار با اقدامات خدیو مصر که می‌خواست از خطر وجود سید و رشد و گسترش افکارش بگریزد به پایان رسید و ناچار به استامبول عزیمت کرده و بالاخره در همان جا به شهادت میرسد. سید در آخرین نامه خود می‌نویسد: «الفسوس می‌خورم از اینکه کشته‌های خود را ندرویدم، به آرزویی که داشتم نائل نگردیدم، شمشیر شقاوت نگذاشت بیداری ملل شرق را بهمین، دست جهالت فرصت نداد صدای آزادی را از حلقوم امم شرق بشنوم.»

ای کاش سید جمال امروز در میان ما حاضر و ناظر وقایعی که در جهان اتفاق می‌افتد بود. ای کاش او می‌دید که چگونه کشته‌هایش بی‌سار نشسته‌اند. ای کاش او جوانه انقلاب امروز مردم مصر را می‌دید.

اگر امروز او نیست تا حاصل کشت خود را درو کند هستند دیگر فرزندان اسلام.

اگر شمشیر شقاوت دوران او را از مردم محروم و گمراه جهان دور کرد، در عوض امروز «منادیان جانبازی» هستند که اصول مکتب او را و مبانی تفکر او را با صدائی رساتر از او و با قدرتی غالب تر و در محدوده‌های فراتر طنین انداز سازند. اگر او زنده نماند تا بیداری ملت‌های مشرق زمین را به چشم خود نظاره کند امروز اخلاف او شاهد این بیداری هستند.

مردم تحت ستم مصر دلاوری‌های مجاهدینی را که امروز به جرم اعدام سادات در جنگال حکومت فاسد مصر هستند، به چشم می‌بینند. جهان اسلام به چشم خود می‌بیند که چگونه ملت مصر خشم خود را در گلوله مسلسل سرگرد عبدالسلام فرج به سوی سادات خائن شلیک کرد. و دیده است که چگونه خالد استامبولی نارنجک کسینه هموطنان مسلمانش را در جایگاه نوکران امریکا منفجر نمود.

اگر جهالت فراگیری که دامن مسلمین را گرفته بود گوش سید جمال را از شنیدن صدای آزادی، محروم کرد. امروز امت اسلامی در سرزمین‌های شرق میانه امواج عظیم از فریادهای رهائیجویانه خود ایجاد کرده‌اند امواجی که بدون شک هستی قدران جهانی و جهانخواهران زورگور را در خود می‌پیچد و تا ابد بران رنگ نیستی می‌زند.

دولت‌های استعماری در قرن اخیر صدای سید جمال را خاموش کردند و قلمش را شکستند و او را مسموم نمودند اما آیا با خاموشی سید فریاد اسلام خواهی و حق طلبی خاموش گشت؟ آنها انتهای عمر مبارک سید را جشن گرفتند.

اما آیا توانستند برای قیام او و راه او نیز نقطه پایانی دست

و پا کنند. هرگز! افول ستاره زندگی سید تنها جاودانگی اندیشه‌های او را به اثبات رساند.

و اثبات رساند که حقیقت نخواهد مرد.

زنداند و در کنار خود حضور اصحاب شیطان و بانیان نظام الهادی حاکم را احساس میکنند نمیتوانند ساکت بنشینند. خروش مسلمانان مادامی که پرچم عدالت اسلامی در همه جهان برافراشته نگردد ادامه دارد. آنچه در مورد سید جمال تجربه شد نشان میدهد که انتظاری که امریکا و حامیانش از اعدام مبارزین مصری دارند انتظار بیهوده‌ای است آنها به گمان خود با این اقدام میخواهند آتشفشان خروش مسلمین را به سردی بکشانند اما در واقع مواد مذاب آن را به غلیان و جوشش بیشتر وادار میکنند. با ریختن خون عبدالسلام فرج، خالد استامبولی، مفتی احمد عبدالله، حسین عباس، طارق الزمر، عبدالحمید سلام و یاران دیگرشان آتش کفر سوز ملت مصر خاموش نگشته وحتی اشتعال بیشتری پیدا میکند. حکام مصر با ریختن خون این عزیزان سند دیگری برای اثبات درنده خوئی و خیانت و نوکری خود بدست برادران مصری می‌دهند و هرچه اسناد خیانت و شیطنت اینان بیشتر باشد، خروش مسلمین پرمصلابت‌تر میگردد. بهر حال همانطور که خون سید جمال بذرآراء و افکار او را بارور کرد تانهاال عدالتخواهی را بر زمین نشاند خون برادران مجاهد مصری نیز شتاب بیشتری به حرکت رو به زوال ابرقدرتها خواهد بخشید.

## صدام دیگر قابل نجات نیست

امام خمینی

## در آغاز بیداری مصر و جهان اسلام



اثر تعالیم زهر آگین که بهرستان قشری که لایه‌شان الازهر بود، در جامعه رسوب یافته و داشت نسل جوان را از اسلام جدا میکرد بزادید و یک نهضت بزرگ فکری و اجتماعی را که منبعث از اصول اسلام راستین باشد براه بیاندارد.

هدف دوم سیدجمال پاشیدن بذر آزادی و ضدیت با استبداد و استعمار در مصر بود. او مسلمانان را از نقشه‌های شوم استعمار جهانی بخصوص امپریالیسم انگلیس آگاه نمود و آنان را به عزت آورد و برای مبارزه با بیگانگان و نوکران داخلی آنان تشویق و تحریک نمود.

اولین ندای اعتراض آمیزی که علیه تجاوز بیگانگان به سرزمین‌های اسلامی بلند شد ندای سیدجمال بود(۱) و او فریاد زد:

«یا للمصیبه! یا للرزیه!» این چه حالت است، این چه فاجعه است.(۲)

سیدجمال ملت مصر را تکان داد و مردان فکور مصری را واداشت پیرامون وضعیت کشور و ملت خود و راههای رهائی از استعمار و دستیابی به هویت تاریخی خویش و مجد گذشته اندیشه کنند.

در مصر سیدجمال اندیشمندان و نویسندگان مسلمان را برای نخستین بار با سبک جدید نگارش آشنا ساخت و تحولی در ادبیات مذهبی بوجود آورد. او از طریق نوشتارها پیرامون موضوعات گوناگون در مجلات و روزنامه‌های کثیرالانتشار مصری مانند «جریده»، «الصبیر»،

«نحله» افکار انقلابی خود را انتشار داد. او یک نسل جدیدی را ببار آورد که مسائل دینی را به شیوه نوینی عرضه میکرد مانند: او

شاگردان خود را بنوشتن مقالات ادبی و دینی و سیاسی و اجتماعی به شیوه جدید آشنا کرد. محمد عبده میگوید:

«از ده سال بیانطرف تمام نویسندگان و ارباب قلم مصر که جوانانند یا از تلامذ و شاگردان او کسب فیض نمودند(۱)»

مخرومی نیز نوشته است که در مصر شاگردان سیدجمال انقلابی در طرز تفکر و سبک نگارش بوجود آوردند. او میگوید:

«شاگردان جمال‌الدین در مصر نوعی پیدا کردند و با آنکه بیشتر آنان جوان بودند، در فن خود استاد و ماهر شدند. هر کس

در این رشته بر جستگی داشت یا از شاگردان سیدجمال بود یا وابسته به مکتب او. هر کسی که مکر این حقیقت شود دروغ گفته است، چه واقعیت بر همگان آشکار است.»

در مصر سیدجمال چنانکه اشاره شد دو هدف عمده را دنبال میکرد است. آغاز بیداری فکری و شکست خمسود و رکسود در جامعه اسلامی و کشف راهی برای اخراج انگلیسیها و بیگانگان از مصر. از یکسو او مسلمین را علیه برنامه‌های پوسیده سرانگت و برای نابودی افکار کهمه و بوجود آوردن افکار جدید و نارگت به اسلام راستین محمد (ص) و قرآن کوشید و از سوی دیگر علیه استعمار وارد کار شد. او ملت مصر را مانند ملل دیگر اسلامی، بیدار ساخت و دگرگونی عمیقی بوجود آورد و تمامی بهمنها و جیشهای اسلامی که پس از این زمان در مصر سرفوع پیوست انعکاسی انقلابی بود که سیدجمال آغازگر آن بوده است.

در مصر سیدجمال تنها به روشنگریهای نظری بسده نکرد بلکه به اقدامات عملی ببردسترد که نمونه بارز آن تشکیل «حزب وطنی» بود. است (۳) تشکیل حزب وطنی گامی بسوی مبارزه و طرد استعمار بیگانه از سرزمین اسلامی مصر بود. سیدجمال این سازمان را در حدود ۱۸۷۹/۱۲۹۶ تشکیل داد. شیخ محمد عبده نیز یکی از

اعضاء فعال این حزب بود. در آغاز اعضای این حزب از چهل تن تجاوز نمیکردند ولی بسطور تصاعدی افزایش یافته و در عرض چند سال به سیست هزار نفر رسیدند که نمایانگر استقلال

توده‌های مصری از افکار و اندیشه‌های اصلاحی و استعمار ستیزانه سیدجمال بود. در این زمان لرد کرومر (Cromer) فرماندار انگلیسی مصر طی گزارشی به لندن نوشت:

«اگر حزب وطنی تا یکسال دیگر سرفرار باشد و سیدجمال الدین ارادانه در مصر مستعمل فعالیت نماند مافع سیاسی و اقتصادی بریتانیای کبر در مصر و سراسر افریقای شمالی در خطر خواهد افتاد.» (۱)

استعمار انگلیس موخت شد حزب وطنی محل و سیدجمال از مصر اخراج گردد. ولی او متعلی را در مصر روشن نموده بود که سرانجام تاریخهای چهل و جور و استعمار را از مصر رود. بار دوم سیدجمال در سال ۱۸۷۹ م/ ۱۹۲۶ هـ از مصر اخراج گردید. او نه سال و اندی در مصر اقامت داشت ولی یک نسل را عوص کرد.

سیدجمال از طریق هند به پاریس رفت و در آنجا با

شاگردان خود مانند محمد عبده و اوسطار، مقالاتی پیرامون اوضاع و شرائط مصر می‌گاشته است. این عبده نامهای تهدید آمیزی به سران سیاسی انگلیس در قاهره ارسال داشته و از خارج مبارزه خود را علیه استعمار ادامه میدادند. در سال ۱۳۰۱ هـ سیدجمال برای تبلیغات گسترده‌تر در سراسر امپریالیسم دست به انتشار محله معروف «عروة الوثقی» زد که در روشنگری سلهای حسان و گسترش جیش اسلامی در مصر نقش عظیمی را ایفا نموده است. با انتشار این محله جمال‌الدین صدمات سختی بر پیکر استعمار و اسداد وارد آورد.

(۱) سیدجمال: پایه گذار بهمنهای اسلامی در جهان نوشته برادر صدرا تلی (۲) محله کابل. سال سوم شماره ۱ ص ۱۹ (۳) سیدجمال: پایه گذار بهمنهای اسلامی ص ۶۶ (۴) مقالات: حمالیه ص ۱۶۵ (۵) محله کابل سال سوم شماره ۳ ص ۲۸۰ (۶) خاطرات سیدجمال ص ۳۴ و ۳۵ (۷) تاریخ الاسناد الامام نوشته سید رشید رضا ص ۱۶۲ (۸) سیدجمال الدین: سیانگذار بهمنهای اسلامی ص ۸۴

## صبح پنجشنبه

سرمقاله...

به بهانه شهادت

سید جمال‌الدین حسینی....

جنگ مهاجرین و

بنیاد امور جنگ زندگان.....

آموزش رزمی

سیری در سیاهنامه راهیان

نفاق.....

پاسخ به سئوالات ایدئولوژی....

الله نور السموات والارض...

بیدادگاه قاهره.....

آفریقا، ای سرزمین

ستم‌یده....

بچه‌ها:

سعید کوچولو وانگشتر سحرآمیز

باهم رنگ کنیم

جدول و سرگرمی....

فکاهیات....

حضرت فاطمه (س).....

عکس و حرف...

صبح پنجشنبه هر صبح پنجشنبه

ضمیمه روزنامه جمهوری اسلامی

ارگان حزب جمهوری اسلامی

برادر و خواهر مسلمان با ارسال نامه‌ها، پیشنهادات، انتقادات اشعار، قصص یا طبری حالب ما را در این مهم باری فرمائید. مطالب خود را به آدرس:

تهران خیابان سعدی جنوبی شماره ۵۷۱ اطاق شماره ۵۵۵

«صبح پنجشنبه»

ارسال فرمائید.

و یا تلفنی از ساعت ۲ بعدازظهر به بعد باتلفنهای

۳۰۶۱۱۴

۳۰۶۱۱۵

داخلی ۵۷ ۳۰۶۱۱۶

۳۰۶۱۱۷

۳۰۶۱۱۸

تماس حاصل فرمائید

# جنگ، مهاجرین و بنیاد امور جنگ زدگان



## «مقدمه»

ما اعرار جنگ تحمیلی یکی از مهمترین مسائلی که بعنوان یک مشکل اساسی کشور در کنار هزاران مشکل دیگر بر دوش دولت سنگینی کرد ظهور مسئلهای بنام جنگ زدگان بود جنگ شومی که یک سال و نیم از عمر آن میگذرد تاکنون متجاوز از ۲ میلیون آواره بر جای گذاشته است از همان روزهای اول جنگ تحمیلی مسئله آوارگی و جنگزدگی بعنوان پیامد طبیعی جنگ بسیار محرز بنظر می رسید از این نظر قاعدتاً مسئولیت اداره جنگ زدگان و اسکان آنان، اشغال آنان و تامین مایحتاج عمومی آنان بر عهده جمعیت هلال احمر بود. اما این سازمان عریض و طویل بدلیل آنکه هنوز عوامل تصفیه نشده را به وفور در تمام واحدها و قسمتهای خود داشت نتوانست بخوبی از پس این امر حیاتی برآید جمعیت هلال احمر در اوائل جنگ مسئله رسیدگی به امور جنگی را در تمام اعدادش قبل از آنکه بعنوان یک وظیفه شرعی و قانونی واحلاقی انسانی برای خود تلقی نماید آنرا یک حربه تبلیغاتی مناسب و پشتوانهای برای گروه گسترانی سیاست بازی میدانست هر خدمتی به برادران و خواهران جنگ زده صورت می گرفت نه تنها یک وظیفه بحساب نمیامد بلکه بخاطر گرایشهایی که در سطح مدیریت سازمان حاکم بود این امر خود بخود یک وسیله تبلیغاتی به نفع جریانی خاص بشمار میامد روح تعهد اخلاقی و رسالت انسانی از آن رخت بر بسته بود و طبیعی بود که با این شکل و هیئت نمی توانست جوانگوی حواستههای معقول و منطقی بیش از ۲ میلیون جنگزده باشد.

بدین جهت شرائط زمان ایجاب کرد که ارگانی علاوه بر هلال احمر ولی در کنار آن به مشکل اساسی جنگ زدگان رسیدگی نماید بنیاد امور جنگ زدگان در سال گذشته و زمانی که فقط چند ماه از آغاز جنگ گذشته بود تشکیل شد و همزمان با آن کمیته اجرائی آن صادفانه فعالیتهای خود را در جهت خدمت به برادران و خواهران مهاجر آغاز کرد گو اینکه این کار جزئی از وظایف هلال احمر بود و شاید به همین دلیل بود که شهید رجایی میگفت اگر وضع هلال احمر درست بود هرگز بنیاد امور جنگ زدگان را درست نمی کردیم اما این نهاد انقلابی از همان اوان شکل گیری با وجود همه کمبودها و نارسائیها و کارشکنی تمامی توان خود را مصروف این امر حیاتی و انسانی نمود ما در گزارش زیر نحوه تشکیل کمیته اجرائی بنیاد امور جنگ زدگان و فعالیتهای این نهاد را از زمان تشکیل تاکنون از زبان یکی از مسئولان (سرپرست کمیته اجرائی) می آوریم و در آینده نزدیک نیز به شرح عملکرد ۸ ماهه جمعیت هلال احمر یعنی در فاصلهیکه این ارگان انقلابی از چنگال جناح سوم لیبرالها خارج گردید و فعالیت واقعی و مسئولانه خود را آغاز کرد خواهیم پرداخت.

## سرویس خبری - مهندس علی چگونگی تشکیل کمیته

وی در ابتدا چگونگی تشکیل این کمیته، تاریخ تأسیس و نحوه رسیدگی به کار مهاجرین را چنین توضیح داد:

پس از سلام و درود به امام امت و رزمندگان غیور اسلام و شهیدان انقلاب اسلامی ایران بدیبال وقوع جنگ تحمیلی مردوران بعضی عراق بر علیه امت اسلامی ایران یکی از هدفهای که در رابطه با این جنگ مطرح بود مسئله تصفیه انقلاب اسلامی از طریق بوجود آمدن پدیده جنگزدگی و آواره شدن جواهران و برادران هموطن ما بود که خوشبختانه با ایمان و ایثار هموطنان خوزستانی و غرب کشور و همکاری ایثارگران امت شهیدپرور ایران و کمکهای دولت جمهوری اسلامی باتوجه به محدودیتهایی که داشته است هدف تولید سردوران امیرالیست نه تنها به آن شکلی که می خواستند پیاده نشد بلکه برعکس شد و الان خواهران و برادران مهاجر در جهت تحکیم و تقویت انقلاب گام برمیدارند هدف از تشکیل بنیاد امور جنگ زدگان

کمیته اجرائی شعبه ای از آن بنیاد میباشند و محض به کار تهران هست، رسیدگی به حواستههای معقول و منطقی این جواهران و برادران میباشند این کمیته درست همزمان با تشکیل بنیاد امور جنگ زدگان از تاریخ ۱۲ بهمن ماه ۱۳۵۹ شروع به فعالیت کرده و در عرض این مدت کلیه مسائل و مشکلاتی که خواهران و برادران مهاجر داشته اند مورد توجه قرار داده و در حد امکان به آنها رسیدگی کرده که اهم وظایف این کمیته به دو شکل خلاصه میشود ۱- خدماتی که برای ساکنین استان انجام داده که اینها بیشتر کسانی هستند که در خوابگاهها و مجمعههای مسکونی و شهرهای تابع استان تهران هستند. بقیه قبل از تشکیل این کمیته تحت پوشش کمیته امداد بوده و هستند یعنی ساکنین تهران آنها که مستقل زندگی میکنند هنوز در پوشش کمیته امداد هستند. بعضی از آنها که در

خوابگاهها سکونت دارند تمام وسایل اولیه زندگی، خواربار پول و خدمات بهداشتی و درمانی و آب و برق را برایشان فراهم کردیم و در حال حاضر این افراد تحت پوشش بنیاد هستند و شکل خاصی ندارند قسمت دوم کار ما مربوط است به کسانی که به علت مرکزیت استان تهران به طور عسوری موقتی که از تهران رد می شوند به ما مراجعه میکنند و یک مقدار خواستههای مختلفی دارند که به آنها توجه میشود.

مثلاً تهیه بلیط اتوبوس یا قطار و یا کمک هزینه سفر که به آنها پرداخت میشود و وسایل دیگر مثل کوبن یزنین و غیره برای افرادی که بطور پراکنده و نامنظم در سطح استان تهران امکان یافتند یکمده از آنها با همکاری کمیتههای امداد امام تحت پوشش قرار گرفتند و تمام احتیاجاتی که داشته اند از کوبن یزنین و خواربار تا وسایل مورد نیاز زندگی در اختیارشان گذاشته شده و بیول تقدیم به اندازه امکانات بنیاد به آنها پرداخت میشود. این خلاصه ای است از کارها که انجام میشود

## تامین بودجه

وی در مورد تامین بودجه بنیاد و اینکه بودجه بنیاد چقدر میباشند اظهار داشت: بودجه ای که این کمیته مصرف میکند از طریق بنیاد امور جنگ زدگان تأمین میشود و از محل اعتبارات دولت و کمکهای مردمی هست حدوداً در ماه ۱۸ میلیون تومان اعتبار کلی این کمیته است که البته یک مقداری در بیشتر موارد صرفه جویی میشود و ممکن است هر دو سه ماه، یک بار این مبلغ را بگیریم ولی بطور کلی آن چیزی که پیش بینی شده از طرف بنیاد و به ما پرداخت میکنند حدود ۱۸ میلیون تومان در ماه است.

وی در مورد تعداد کادر کمیته اجرائی و قسمتهای مختلف آن چنین گفت: آن افرادی که در قسمت مرکزی اینجا کار میکنند حدود ۵ نفر هستند که کارهای مختلف مربوط به ساکنین تهران و سایر خواهران و برادران مهاجر که بطور اموری به اینجا مراجعه میکنند پاسخ

میدهند و قسمتهای دیگر به شرح زیر است:

۱- حوزه مربوط به مددکاری اجتماعی که کارش دقیقاً کمکهای اجتماعی است به خواهران و برادرانی که آسیب دیده اند و رسیدگی به خانوادههای بی سرپرست که اینها را زیر پوشش دارند و به کسانی که لازم باشد برای استفاده از خدمات خاصی به نهادها معرفی میکنند و خلاصه مشکلاتی که خانوادههای بی سرپرست یا کودکان و زنان به مشکل برخورد میکنند به این واحد مراجعه میکنند که با همکاری سازمان بهرین مسائل و مشکلات آنها رسیدگی میشود و برطرف میشود.

۲- واحد تدارکات: تمام کالاهای مورد نیاز برادران و خواهران از قبیل حبوبات، برنج و فرش و پتو حتی ظروف غذا و چراغ و غیره و اینها را تهیه میکند و در اختیار اینها قرار میدهد. ۳- امور مالی: مربوط هست به پرداخت هزینهها و رسیدگی به حسابها و دفتری و غیره... یک قسمت بایگانی میباشد و ماشین نویسی و امور دفتری که کارش سپیداست و مشخص است در چه رابطهای کار میکند.

## کارهای فرهنگی

بخش دیگر کار ما که از اهمیت خاصی برخوردار است واحد فرهنگی است دعوت از سخنرانهای مختلف از حزب جمهوری اسلامی، مجلس، مدرسه شهید مطهری و نمایش فیلمهای انقلابی از طریق وزارت ارشاد اسلامی علاوه بر این پوسترهایی که از نهادهای مختلف تهیه میکنند در اختیار اینها قرار میدهند تشکیل کتابخانه در خوابگاههای جنگ زدگان جهت ارشاد مهاجرین و همچنین اجزای مراسم نماز جماعت از سری کسارهای این واحد

می باشد. یک واحد در همین قسمت فرهنگی به واحد امور تقویتی و ارشاد اسلامی هست که اینها مسابقاتی بین برادران مهاجر و باشگاههای ورزشی تهران تشکیل می دهند که تا به حال

چندین نمونه از این برنامه داشته ایم از جمله آن مسابقات تیم جنگ زدگان ساکن تهران با تیم آرزات که نتیجه بازی یک بر هیچ به نفع جنگ زدگان تمام شد علاوه بر اینها در حدود ۳۶ خوابگاه در سطح تهران داریم و بخاطر اینکه بطور ۲۴ ساعته در خدمت خواهران و برادران مهاجر ساکن خوابگاهها باشیم تا اگر چنانچه مسائل و مشکلاتی داشته باشند و کارهای اضطراری که برایشان پیش می آید بلافاصله انجام دهیم در هر خوابگاه ۳ نفر مسئول تعیین کردیم که دوفتر در رابطه با انتظامات و ۱ نفر به عنوان مسئول برای اداره مختلف کارها در ساعات روز میباشند. این مسئولین خوابگاهها هر شب در یکی از خوابگاهها یک محلی دارند که جمع می شوند و از طریق تلفن با غیبه خوابگاهها در تماس هستند و اگر مشکل اضطراری برای رفیقه خوابگاهها پیش بیاید بیاید آنجا ماشین و آمبولانس در اختیارشان است و بلافاصله سرویس هایی که لازم است به آنها می دهیم و ۱۰۰ نفر در رابطه با انتظامات خوابگاهها مشغول فعالیت هستند

## تشکیل نهانگاه

علاوه بر آنها قسمتی از کار ما مربوط به نقاشگاهی که برای جنگ زدگان تشکیل دادیم میباشد که دلیل تشکیل این نقاشگاه این بود که بعد از آنکه ما متوجه شدیم که یک عده از خواهران و برادران سرخس-مسدوم- محروم به اینجا مراجعه میکنند و بیمارستانهای تهران به علت شلوغی آنطور که نباید و شاید نمیتوانند به خواستههای آنها توجه بکنند. در ضمن شهر تهران هم که خیلی بزرگ است و اینها به علت ناآشنایی به شهر تهران گم می شوند بنابراین ما به خاطر اینکه تمام این مشکلات را حل بکنیم و بخاطر اینکه آن افرادی که واقفاً مریض نیستند و لازم نیست در شرایط فعلی تخت بیمارستان را اشغال بکنند این مرکز به اسم نقاشگاه را تشکیل دادیم تا پس از معاینه اگر لازم شد آنها به بیمارستانها

بقیه در صفحه ۶

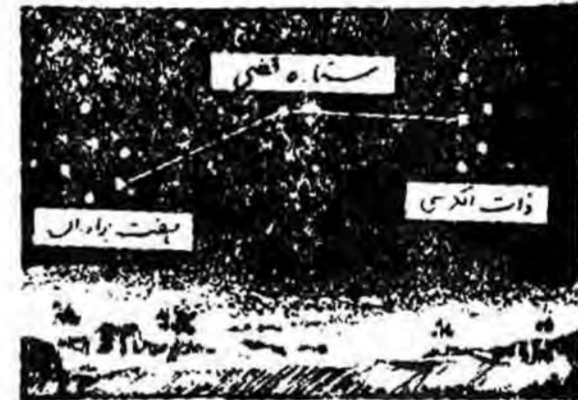
# آموزش رزمی



۲- به کمک آفتاب استفاده از سایه اجسام: چوبی را به طور عمودی بر زمین فرو می‌کنیم و نوک سایه آنرا یک سنگ میگذاریم حدود ۱۵ دقیقه بعد که سایه جابجا شده است دوباره سنگ دیگری روی انتهای سایه چوب گذارده و خطی از سنگ اول به سنگ دوم وصل کرده و خط را به اندامهای پای خودمان امتداد می‌دهیم حال اگر طوری بایستیم که نوک پشمهای پای چوب در مقابل سنگ اول و پای راست در انتهای خطی که رسم کردیم باشد روبرو شمال خواهیم بود.



س ۱۹- منظور از فراگیری نشان دادن نقاط چیست؟  
ج: ۱- فهمیدن اوامر و دستورات فرمانده.  
۲- شخص بتواند نقاطی را به فرمانده خود نشان دهد.  
س ۲۰- جهات و سمتهای اصلی و فرعی کدام است؟  
ج: جلو، عقب، راست و چپ اصلی شمال، جنوب، مشرق و مغرب اصلی و بقیه فرعی هستند.  
س ۲۱- روشهای ساده (بدون وسیله) جهت یابی کدام است.  
ج: ۱- به کمک آفتاب ۲- آفتاب استفاده از سایه اجسام.  
۳- آفتاب وساعت ۴- ستارگان در شب.  
۱- به کمک آفتاب: اگر دست راست ما روبرو مشرق (محل طلوع خورشید) باشد روبرو شمال پشت سرمان جنوب و دست چپمان مغرب می‌شود.

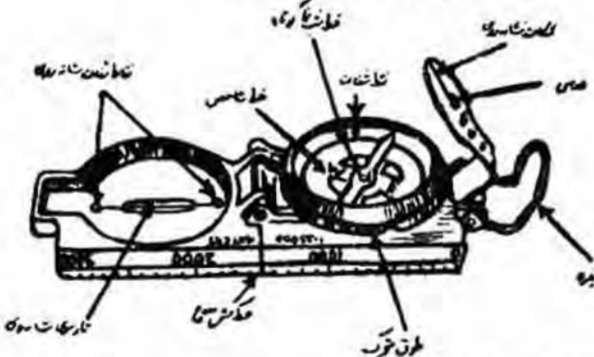


ب- به کمک ستارگان در شب.  
۱- به کمک ستاره قطبی سمت شمال پیدا می‌شود اول هفتبرادران (خمس بزرگ) که شکل آب گردان است را پیدا نموده و فاصله دو ستاره واقع در انتهای آب گردان را در سمتی که آب گردان ریخته میشود به اندازه پنج برابر امتداد می‌دهیم ستاره قطبی که سمت شمال است می‌رسیم. شکل (۱)  
۲- به کمک ستاره داشالکرسی: این ستارگان در آسمان به شکل ام (M) هستند ستاره قطبی یا جدی در وسط ستارگان ذات‌الکرسی و هفتبرادران قرار دارد. شکل (۲)



۳- به کمک آفتاب استفاده از ساعت: در منطقه معتدله شمالی ساعت

اصابت گرد و غبار بلند شود.  
با بوسیله تنظیم نشانه روی تفنگ و ثابت کردن آن روی زمین نقاط را نشان می‌دهیم.  
س ۲۶- استفاده از ساعت برای نشان دادن نقاط.  
فرض می‌کنیم که نقطه‌ای که ایستادیم مرکز عقربه‌های ساعت باشد نقطه کمکی را ساعت ۱۲ گرفته و نقاط را نسبت به آن می‌سجیم. مثال: در ساعت ۱۱ محل توقف یک تک درخت انگشت به راست ۴۰۰ متری، تعدادی دشمن در حال سنگر کردن هستند.



س ۲۷- ساختمان قطب نما:  
ج: ۸ قطعه است.  
۱- جلد برزنتی ۲- درب قطب نما ۳- خط کش مدرج ۴- عقربه منطابق ۵- شاخه ثابت ۶- طوقه کار در شب ۷- نیمه نشانه روی ۸- حلقه دستگیره  
س ۲۸- طرز کار قطب نما:  
ج: اول حلقه دستگیره را از روی درب قطب نما بلند نموده بعد درب را به اندازه ۹۰ درجه بلند می‌کنیم، نیمه نشانه روی را از روی طوقه کار در شب جدا و ۴۵ درجه بالا آورده و انگشت شست دست را داخل دستگیره کرده و قطب نما را به طور افقی نگاه می‌داریم و با دست دیگر مع دست راست را گرفته که قطب نما نلزد.  
س ۲۹- قطب نما در چه شرایطی خوب کار می‌کند  
ج: در شرایطی که از وسایل زیر فاصله‌های ذکر شده را داشته باشد.  
۱- سیمهای برقی با جریان شدید ۶۰ متر  
۲- تویخانه صحرایی ۲۰ متر  
۳- اتومبیل و تانک و وسایل بزرگ فلزی ۲۰ متر  
۴- سیم تلگراف و تلفن ۱۰ متر  
۵- شبکه سیم خاردار ۱۰ متر  
۶- تیربار ۳ متر  
۷- کلاه آهنی و تفنگ ۱ متر  
تذکر: عقربه منطابقی همیشه (نوک آن) رو به سمت شمال می‌ایستد.  
ادامه دارد

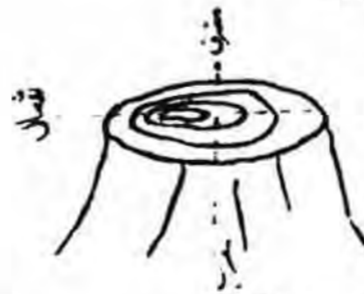
خود را روی وقت صحیح محل تنظیم نموده بطور افقی نوک عقربه ساعت شمار را رو به خورشید گرفته تا سایه آن زیرش قرار گیرد. نیمساز زاویه کوچکتر بین عقربه ساعت و عدد ۱۲ جهت جنوب را نشان می‌دهد.

به کمک هلال ماه: در نیمه اول هر ماه قمری برآمدگی هلال ماه به طرف مغرب و در نیمه دوم به طرف مشرق است.

نسبت به کهنکشان بدانیم و در امتداد کهنکشان طوری بایستیم که این ستارگان در طرف چپ ما واقع شوند روبرویمان شمال است.

س ۲۲- روشهای اضطراری جهت‌یابی کدام است.  
ج: ۱- در مقطع درخت دو برابر در سمت شمال به هم نزدیکتر است.  
۲- در مساجد کشورمان محراب بطرف جنوب است.  
۳- در گورستان مسلمان ایران سنگسر به طرف مشرق است.  
۴- معمولاً سمت شمال دیوارهای خاکی بیشتر مرطوب بوده و آثار خاک ریختگی دارد.

۵- لانه مورچه‌ها رو به شمال است.  
س ۲۳- روشهای یا وسیله جهت‌یابی کدام است؟  
ج: ۱- بوسیله قطب‌نما  
۲- بوسیله نقشه.



س ۲۴- تعریف نقطه کمکی.  
ج: نقطه‌ایست که بتوان براحتی و در وحله اول آنرا دید مثل یک عدد درخت در بهابان یا یک تخته سنگ بزرگ و غیره ولسی نقطه مشخص نقطه‌ایست که بتوان فقط با بیان سمت کلی و تعریف آنرا نشان داد مثل راست جلو تپه خاک یا: خیلی دور چپ جلو یک آبادی در دامنه کوه.

س ۲۵- استفاده از نقطه کمکی برای نشان دادن نقاط در عرض و در صغی.  
ج: ۱- در عرض در سمت کلی نقطه کمکی انتخاب نموده و بوسیله انگشتان دست و روش تخمین مسافت در عرض آنرا نشان می‌دهیم.  
۲- در عمق: بعد از پیدا کردن نقطه کمکی انگشتان دست را طوری همود به کف دست قرار داده که مواری سطح زمین باشد (دست بساید کفیده باشد) و با کم و زیاد کردن انگشتان محل را مشخص می‌کنیم.  
بوسیله تیراندازی یا فشنگ رسم یا جتی به شرطی که از محل

# جنگ، مهاجرین و بنیاد امور جنگ زدگان

بقیه در صفحه ۴

معرفی نبود این نگاه کلی شکل یک سیاست را دارد. البته چیزی از آقایان دیگرها اینجا می آید و فی سبیل کار میکند و مددکارهای اجتماعی هم داریم که به کار مریض رسیدگی میکنند قسمت دیگر از کارهای ما مربوط میشود به کسانی که مهاجر جنگی هستند و لازم است در تهران به طور موقت بمانند که ما برای نامین ها و مکان این افراد یک ساختمان در حواله تهران داریم که به عنوان مسافر خانه از آن استفاده میکنیم و این افراد به طور موقت در آنجا امکان پیدا میکنند تا موقتی که نخواهند دوباره به شهرستان خودشان برگردند البته این خانه به طور رایگان در اختیار آنها گذاشته میشود و اگر هم شصت لارم بداند به آنها هزینه موقت سفر هم داده خواهد شد.

### آموزشهای حرفه ای

عبر از این در رابطه با اشتغال مهاجرین سرمایه خاص دیگری داریم که با آموزشگاههای حرفه ای وزارت کار و امور اجتماعی تماس گرفته ایم و قرار شد که یک سری از خواهران و برادران را به آنجا بفرستیم تا آموزشهای خاصی ببینند و این کار اهمیت خاصی دارد که اینها میتوانند بعد از اینکه این دوره ها را تمام کردند مشغول کار شوند و هم میتوانند اشتغال پیدا کنند. تعداد کار برای ما سازی مناطق معین واقع شود غیر از آن در سطح حدود جوانانهای استان تهران سعی بر آن شده که ما توجه به امکانات فعلی بیاد امور جنگ زدگان در اکثر جوانانها کارگاه فنی و صناعی از جوانانها کارگاه مربوط به گلدوری دایر کنیم و همچنین راه اندازی صنایع دستی سافتی که از این نظر سازمان صنایع همگامی بسیار خوبی داشته و تمام امکاناتی که خواهران و برادران احتیاج داشتند از طریق این سازمان تهیه شده است.

برای خواهران و برادرانی که حیات بودند بحاضر اینکه به حرفه اصلی شان برگردند ما تا حالا دو کارگاه در سطح استان تهران تشکیل دادیم و در حدود ۵۰ نفر در این کارگاهها مشغول به کار هستند که می خواهیم این تعداد را به ۱۰۰ نفر برسانیم و کار اینها به این ترتیب است که طرح و ساینر و ساینر که لازم دارد از قبیل پارچه و بیج و دکمه از طریق بیاد جنگ زدگان تهیه می شود. و اینها از این طریق لباسهایی که مورد نظر بیاد می باشد تهیه می کنند و به شهرستانها ارسال می شود و این خواهران و برادران بطور ماهیانه یک وجه به عنوان حقوق دریافت می کنند.

چگونگی خرید لوازم منزل سرپرست کمیته اجرایی در مورد چگونگی خرید لوازم منزل از طریق کمیته اجرایی اظهار داشت ما با شرکتهای مختلفی که لوازم منزل را از قبیل بچقال، فرش، گار، تلویزیون و غیره تولید می کردند قرار داد بسته بودیم و این وسایل را تهیه می کردیم و در اختیار آنها می گذاشتیم بعد بحاضر اینکه اشتباه کاری ما کمتر باشد و بتوانیم دقیق تر عمل کنیم شورا به اسم شورای معتمدین مناطق جنگی تاسیس شد که اینها افراد را شناسایی می کردند. و ما سرمایه ای که خودشان تهیه کرده بودند کالا تهیه می کردیم و در اختیار خواهران و برادران مهاجر می گذاشتیم منتهی به علت اینکه تقاضا خیلی زیاد بود و این مسئله باعث شد که خواهران و برادران که در این کارگاهها و کارگاهها مشغول به کار بودند و برادران و خواهران شهرستانی تقاضا می نمودند که در این کارگاهها مشغول به کار شوند و اینها را به کارگاهها و کارگاهها می فرستادیم.

برای خواهران و برادرانی که حیات بودند بحاضر اینکه به حرفه اصلی شان برگردند ما تا حالا دو کارگاه در سطح استان تهران تشکیل دادیم و در حدود ۵۰ نفر در این کارگاهها مشغول به کار هستند که می خواهیم این تعداد را به ۱۰۰ نفر برسانیم و کار اینها به این ترتیب است که طرح و ساینر و ساینر که لازم دارد از قبیل پارچه و بیج و دکمه از طریق بیاد جنگ زدگان تهیه می شود. و اینها از این طریق لباسهایی که مورد نظر بیاد می باشد تهیه می کنند و به شهرستانها ارسال می شود و این خواهران و برادران بطور ماهیانه یک وجه به عنوان حقوق دریافت می کنند.

چگونگی خرید لوازم منزل سرپرست کمیته اجرایی در مورد چگونگی خرید لوازم منزل از طریق کمیته اجرایی اظهار داشت ما با شرکتهای مختلفی که لوازم منزل را از قبیل بچقال، فرش، گار، تلویزیون و غیره تولید می کردند قرار داد بسته بودیم و این وسایل را تهیه می کردیم و در اختیار آنها می گذاشتیم بعد بحاضر اینکه اشتباه کاری ما کمتر باشد و بتوانیم دقیق تر عمل کنیم شورا به اسم شورای معتمدین مناطق جنگی تاسیس شد که اینها افراد را شناسایی می کردند. و ما سرمایه ای که خودشان تهیه کرده بودند کالا تهیه می کردیم و در اختیار خواهران و برادران مهاجر می گذاشتیم منتهی به علت اینکه تقاضا خیلی زیاد بود و این مسئله باعث شد که خواهران و برادران که در این کارگاهها و کارگاهها مشغول به کار بودند و برادران و خواهران شهرستانی تقاضا می نمودند که در این کارگاهها مشغول به کار شوند و اینها را به کارگاهها و کارگاهها می فرستادیم.



به خاطر گرفتن وسایل از شهری که سکوت دارند به تهران بیاید و این برخلاف سیاست کلی دولت است که افراد جذب تهران بشوند و همچنین بحاضر تورم جمعیت و مشکلات شهری که در تهران وجود دارد از طرفی امکاناتی هم که در اینجا بود پاسخگوی آن همه از ارباب رجوع را نداشت. از سوی دیگر این یک واقعیت است که خواهران و برادرانی که در خود استانهای جنگ زده مثل خوزستان یا ایلام یا کرمانشاه سکوت دارند و در سایر شهرستانهای همجوار سکوت دارند به علت کمبود امکانات هست که نتوانستند بیاید و اینها از رفاه کمی برخوردار هستند و بیاد می خواهد تلاش کند که اول به افرادی که در نقاط دور افتاده تر و در آن اردوگاهها و شهرکها

اینکه یک عدالت نسبی بین تهران و شهرستانها برقرار شد ... از اوایل سال ۶۱ تا ... شهرستانهای دولتی مساند ... و اینها از رفاه کمی برخوردار هستند و بیاد می خواهد تلاش کند که اول به افرادی که در نقاط دور افتاده تر و در آن اردوگاهها و شهرکها

اینکه یک عدالت نسبی بین تهران و شهرستانها برقرار شد ... از اوایل سال ۶۱ تا ... شهرستانهای دولتی مساند ... و اینها از رفاه کمی برخوردار هستند و بیاد می خواهد تلاش کند که اول به افرادی که در نقاط دور افتاده تر و در آن اردوگاهها و شهرکها

اینکه یک عدالت نسبی بین تهران و شهرستانها برقرار شد ... از اوایل سال ۶۱ تا ... شهرستانهای دولتی مساند ... و اینها از رفاه کمی برخوردار هستند و بیاد می خواهد تلاش کند که اول به افرادی که در نقاط دور افتاده تر و در آن اردوگاهها و شهرکها

مهاجر بیامی فرستاده که به شرح زیر می باشد ... این خواهران و برادران برسانیم ... و اینها از رفاه کمی برخوردار هستند و بیاد می خواهد تلاش کند که اول به افرادی که در نقاط دور افتاده تر و در آن اردوگاهها و شهرکها

### اشتغال جنگ زدگان

بطوریکه طی گزارش قبلی ... اینها از رفاه کمی برخوردار هستند و بیاد می خواهد تلاش کند که اول به افرادی که در نقاط دور افتاده تر و در آن اردوگاهها و شهرکها

اینکه یک عدالت نسبی بین تهران و شهرستانها برقرار شد ... از اوایل سال ۶۱ تا ... شهرستانهای دولتی مساند ... و اینها از رفاه کمی برخوردار هستند و بیاد می خواهد تلاش کند که اول به افرادی که در نقاط دور افتاده تر و در آن اردوگاهها و شهرکها

اینکه یک عدالت نسبی بین تهران و شهرستانها برقرار شد ... از اوایل سال ۶۱ تا ... شهرستانهای دولتی مساند ... و اینها از رفاه کمی برخوردار هستند و بیاد می خواهد تلاش کند که اول به افرادی که در نقاط دور افتاده تر و در آن اردوگاهها و شهرکها

اینکه یک عدالت نسبی بین تهران و شهرستانها برقرار شد ... از اوایل سال ۶۱ تا ... شهرستانهای دولتی مساند ... و اینها از رفاه کمی برخوردار هستند و بیاد می خواهد تلاش کند که اول به افرادی که در نقاط دور افتاده تر و در آن اردوگاهها و شهرکها

اینکه یک عدالت نسبی بین تهران و شهرستانها برقرار شد ... از اوایل سال ۶۱ تا ... شهرستانهای دولتی مساند ... و اینها از رفاه کمی برخوردار هستند و بیاد می خواهد تلاش کند که اول به افرادی که در نقاط دور افتاده تر و در آن اردوگاهها و شهرکها

وسائط نقلیه خصوصی در تهران و کرج باتوجه به ضوابط بنیاد در این خصوص

۴- پرداخت مبلغ ۱۱/۳۳۶/۰۰۰ ریال وام اشتغال به تعداد ۱۲۷ نفر از خواهران و برادران جنگزده در زمینه کمک به امر اشتغال گروهی از اصناف و صاحبان حرف و افراد علاقمند در بین جنگزدهگان با رعایت ضوابط مربوطه

۵- مذاکره و جلب موافقت از کمیته امور صنعتی بمنظور اجاره کار و همچنین تخصیص و واگذاری سهمیههای لازم در زمینههای عکاسی، سیمکشی، خیاطی، کارتنساز، بستهبندی، مواد غذایی، رنگسازی، نجاری، الکترونیک، پوشاک، مصالح ساختمانی، لوازم خانگی لوازم بهداشتی، تولید پوشاک از کامپوز پلاستیکسازی، آهنگری، دروپنجرسازی و غیره که در رشتههای مختلف به تعداد ۲۲۵ نفر از دارندگان مشاغل مختلف که در گذشته پروانه کسب و مهارتهای لازم را داشتهاند زمینههای اشتغال آنان فراهم شده است.

۶- فراهم نمودن لوازم و تجهیزات آموزش قابلیتایی به تعداد ۵۰ دستگاه دارقالی در کارگاههای قابلیتایی دماوند، کرج، جوادیه، خوابگاههای لاله، ابوریحان، دهکده المپیک، پلی تکنیک در این مراکز متجاوز از ۳۰۰ نفر به آموزش قابلیتایی اشتغال دارند.

۷- تأسیس کارگاه خیاطی و فراهم نمودن لوازم مربوطه از قبیل چرخ خیاطی و مواد اولیه در چند محل که متجاوز از ۶۰ نفر به حرفه خیاطی مشغولند.

۸- فراهم نمودن زمینه آموزش حرفهای در رشتههای مختلف در مؤسسات آموزش حرفهای وزارت کار و امور اجتماعی که متجاوز از ۵۵ نفر در این زمینه در کلاسهای

آموزش، معرفی شدهاند قبیل شرکت گاز، شرکت دخانیات، صداوسیما جمهوری اسلامی، شرکت واحد وزارت کشاورزی، کفش ملی، نهضت سوادآموزی، شیلات ایران و غیره.

اقدامات دیگری نیز در فراهم نمودن زمینههای اشتغال بیشتر از طریق وزارت کار، وزارت دفاع مرکز گسترش و غیره در جریان است که با انجام آن تعداد بیشتری از داوطلبان نیز جذب حرف مختلف شده و بکار اشتغال میوزند.

**گزارش اجمالی از فعالیتهای واحد فرهنگی**

کمیته اجرائی استان تهران به امور فرهنگی مهاجرین جنگزده اهمیت خاصی مبذول داشته و با کمبود نیروی انسانی و امکانات مالی و رعایت مسئله صرفهجویی در هزینههای مختلف اقدامات وسیعی در ظرف چند ماهه گذشته با همکاری نهادهای انقلابی (در بعضی موارد) در سطح خوابگاهها در حوزه تهران و شهرستانهای تابعه داشته است.

اهم اقدامات انجام یافته در این واحد به شرح زیر میباشد.

**الف- واحد آموزش و پرورش**

۱- صدور معرفینامه جهت ثبت نام خواهران و برادران مهاجر جنگ زده به دبیرستانها دبستانها، مدارس راهنمایی، هنرستانها و دورههای آمادگی در سطح تهران، تاکنون بیش از ۱۵۰۰ نفر معرفی شدهاند.

۲- صدور حدود ۱۰۰۰ فرم رایگان جهت ثبت نام دانش آموزان جنگزده طبق بخشنامه وزارت آموزش و پرورش جمهوری اسلامی.

۳- تهیه و توزیع لوازم التحریر مورد نیاز دانش آموزان حدود بیست خوابگاه تحت پوشش از قبیل (دفتر، خودکار، مسد،

**\* برای راحتی افرادی که جهت معالجه به نفاهنگاه مراجعه میکنند ساختمانی در نظر گرفته شده تا بیماران موقتا در آنجا مستقر شوند.**

**\* تا آخر آبانماه جاری در تهران بیش از ۲۰ هزار نفر از کمکهای مالی اجتماعی کمیته اجرائی برخوردار شدهاند.**

**\* از سوی واحد ورزش مقدار قابل توجهی السبسه و وسایل ورزشی توزیع شده است.**

۹- جلب موافقت از وزارت راه و ترابری بمنظور گذراندن دوره رانندگی ۲۰ نفر از مهاجرین جنگی بمدت چهارماه در آموزشگاه رانندگی آن وزارتخانه

۱۰- آموزش جهت تهیه وسایل موردنظر شامل زنجیل، چاکلدانی، چاچولهای، اویز و غیره توسط یکی از مهاجرین به حدود ۲۵ نفر از خواهران طرف مدت کوتاهی که با تهیه امکانات لازم مشغول بکارگردیدند که تولیدات دستساز خواهران در دونوبت توسط سازمان صنایع دستی به مبلغ ۲۷۰۰۰ تومان خریداری و اضافه برپرداخت دستمزد مناسب به تولیدکنندگان از این محل سرمایه اولسبیهی مساعد ۷۰۰۰ تومان برای ادامه کار بصورت یک صندوق تعاون پایهریزی گردیده است.

۱۱- معرفی حدود ۳۰ نفر دیگر از خواهران و برادران جنگزده به شرکتها و کارخانجات و مراکز دولتی از

تحت پوشش و هتل بین المللی، ۹- تأسیس خوابگاهی، تحت عنوان خوابگاه خواهران و برادران دانش آموز که به صورت پانسیون میباشد و قسطن دانش آموزانی اسکان داده شدهاند که سال قبل بعلت جنگ تحمیلی و تعطیل مدارس نتوانستند ادامه تحصیل دهند و از نظر معدل در سطح عالی میباشد و اغلب یکی از افراد خانواده خود را در جنگ از دست دادهاند و همسوز خانوادهاشان در مناطق جنگی بسر میبرند و حاضر به ترک محل زندگی خود نشدهاند در حال حاضر تعداد دانش آموزان خوابگاه فوق ۳۰ نفر میباشد.

۱۰- تهیه و توزیع وسایل نقشه کشی برای تعدادی از برادران هنر جو.

۱۱- برپایی بکدوره مسابقات فوتسال جام شهیدان ۷۲ تن بین برادران جنگزده و تهیه و توزیع لباس لازم جهت مسابقه برای

کردن فعالیتهای فرهنگی خوابگاهها با واحد فرهنگی کمیته اجرائی، تاکنون کلیه خوابگاهها توسط همکاران واحد فرهنگی کمیته اجرائی مورد بازدید قرار گرفته است.

**ب- فعالیتهای فوق برنامه**

۱- وام ازدواج

کمیته اجرائی استان تهران جهت کمک و تشویق خواهران و برادران جنگ زده در امر مقدس ازدواج پس از تحقیق و بررسی همکاران امور فرهنگی و بررسی معاونت فرهنگی و امور اجتماعی کمیته ستار آئین نامه وام پرداخت میکنند مبلغ وام جهت خواهران ۳۰۰۰۰ ریال و برادران ۲۰۰۰۰ ریال و در شرایط خاص سیش از این مبلغ پرداخت میشود. تاکنون ۵۶ نفر از خواهران و برادران جنگزده مبلغ ۱۴۵۳۲۰۰۰ ریال وام دریافت داشتهاند.

۲- تحقیق و بررسی گروه تحقیق غیر از موارد

و انقلابی مانند سپاه پاسداران، وزارت ارشاد اسلامی، حزب جمهوری اسلامی، موزه هنرهای معاصر و سایر موسسات تبلیغاتی و توزیع بین خوابگاهها.

۴- تهیه دستگاههای امپلی فایر، بلند گو، میکروفون، رادیو ضبط و... برای بیش از ۲۲ خوابگاه و نمایش فیلمهای آموزنده و انقلابی از طریق ویدئو در خوابگاههای تحت پوشش.

۵- تأسیس کتابخانه

در طبقه زیرین کمیته اجرائی استان تهران در تاریخ ۶/۵/۱۰ کتابخانهای با موجودی ۲۷۸۶ جلد کتاب تأسیس گردید که شامل قسمتهای بخش نوار، بخش پوستر، تهیه پلاکارد و خطاطی میباشد که بعداً حدود ۶۹۰ جلد کتاب سه کتابهای موجود اضافه گردید و علاوه بر اسرافاده همکاران کمیته اجرائی از کتابخانه، خوابگاههای تحت پوشش هم نوار و پوستر و پلاکارد مورد احتیاجشان را از

منظور سه نمایش گذاردن فیلمهای تهیه شده و همچنین تعداد ۸ نایل از دبیرستان عمیه تهیه ۵ عدد نایل از دبیرستان نواب صفوی، تهیه ۲۰ عدد پوستر از دبیرستان علمیه تهیه یک سری عکسهای رنگی و سیاه و سفید از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و روحانیت مبارز تهران.

۶- برپایی نمایشگاه کتاب و نمایشگاهی از رویوش مدارس تهیه شده توسط خواهران و برادران جنگزده در کارگاه خطاطی بنیاد و با قیمت نازل در اختیار خریداران قرار دادن.

۷- تخصیص یک غرفه منظور ارائه کارهای دستی و هنری مهاجرین جنگزده، اختصاص یک قسمت نمایشگاه به دهکده المپیک و خوابگاه زنجان جهت ارائه کارهای انجام شده.

۸- علاوه بر تأمین نیازهای تبلیغاتی نمایشگاه فراهم کردن بجهت عدد میز جهت نصب افقی عکسها و پوسترها- نایلون کشی و متن نویسی آنها، محوطه ساری و عرفه بندی نمایشگاه با طباب.

۹- تهیه تعداد ۲۰ حوره جنگ و کاریکاتور، ۲۵۰۰ پوستر امام و سایر چهره های مذهبی سیاسی و دیگر پیامهای مصور از جنگ و عثانته جنگی و ۵۰ عدد آرم ارتش و سپاه و توزیع کلیه آنها بین افراد نارید کسده از نمایشگاه

توضیح اینکه علاوه بر اقدامات و فعالیتهای فرهنگی انجام شده که ذکر آن فوقاً رفت احساری برنامه اطعام سحری در ایام ماه مبارک رمضان در سطح خوابگاههایی که امکان اجرائی آن فراهم بود، گزار شده که در قسمت گزارشهای فصلیتهای فرهنگی خوابگاهها (که بدنبال خواهد آمد) به آن اشاره شده است.

**تاسیس کارگاه خیاطی**

کمیته اجرائی استان تهران در طرف ده ماهه گذشته نواسته است با برورداری از امکانات و جلب همکاری واحدهای اجرائی، نهادهای انقلابی، کارحاجات دولتی و خصوصی در حورده تهران و شهرستانهای استان تهران با تأسیس کارگاهها و مراکز تولیدی و آموزشی از قبیل کارگاه قابلیتایی، بخاری، گلیم بافی، دورنگی، و هنرهای دستی و غیره تعدادی از خواهران و برادران جنگ زده بیکار در سطح استان تهران را بکار بگمارد.

یکی از این کارگاهها کارگاه خیاطی میباشد که از اول شهریورماه ۶۰ شروع بکار کرده و تقریباً نیاز جنگ زدگان ساکن در خوابگاهها را از نظر روپوش مدرسه و روپوش اسلامی برطرف ساخته و تولیدات کارگاه را تقریباً با قیمت تمام شده در اختیار خواهران و برادران جنگزده قرار داده است و مازاد تولیدات کارگاه از طریق بنیاد امور جنگزدهگان به شهرستانهای دیگر و مناطق جنگ زده ارسال و در اختیار خواهران و برادران جنگ زده دیگر قرار میدهد. کارگاه در ظرف این مدت تولیداتی داشته است.

لازم به یادآوری میباشد که در تاریخ ۶۰/۹/۲۹ تعداد ۱۰۰ دست روپوش زبانه و تعداد ۱۰۰ عدد شلوار به نفاهنگاه تحویل داده شد.

در تاریخ ۶۰/۹/۳۰ تعداد ۱۱ کارتن پوشاک که شامل ۴۹۰ عدد روپوش و ۳۶۰ عدد شلوار تحویل انبار بنیاد امور جنگ زدگان جهت ارسال به مناطق دیگر شد.



مهاجرین جنگی خود را با انواع کارهای سازنده مشغول می کنند.

این کتابخانه تأمین و دریافت میکند.

۶- برپایی نمایشگاهی بمناسبت هفته جنگ در پارک شهر، در این نمایشگاه پوستر، کتاب، فیلم، ویدئو، فیلمهای سینمایی و تصویرهائی از شهدای اخیر جمهوری اسلامی و غیره به نمایش گذارده شد که بدین شرح میباشد.

۱- نصب پلاکارد در نقاط مختلف پارک شهر و خیابانهای اطراف.

۲- پخش سخنرانیهای سیاسی و مذهبی و سرودهای انقلابی در تمام ساعت کار نمایشگاه.

۳- اجرای برنامه دکلمه و سرودهای انقلابی و نمایشنامه تاتری (حمله وحشیانه بعثت ها) بوسیله نوجوانان آبادانی همراه ازگ.

۴- نمایش فیلمهای (دست کثیف استعمار)، (بن هور)، (نوار ویدئو حقیقت از شماره ۱ تا ۷) به طریق ویدئو و همچنین نمایش فیلمهای سینمایی (سفر سنگ)، (فتح خون)

۵- به امانت گرفتن دستگا، آپارات (برزکتور ۱۶ میلیمتری) ترانس و پرده از وزارت کشور

تحقیق و بررسی نسبت به وضع افراد مصاحبه شده جهت اشتغال بکار در واحدهای مختلف کمیته اجرائی، تحقیق در مورد افراد مستقاضی وام ازدواج، در مورد افرادی که تقاضای گرفتن لوازم زندگی دارند تحقیق کرده و پس از تأیید گروه تحقیق لوازم مورد احتیاج در اختیار خواهران و برادران گذاشته میشود تاکنون بیش از ۲۰۰۰ مورد تحقیق دربره مهاجرین جنگزده که متقاضی گرفتن لوازمی چون کمک هزینه، لوازم تحصیل، روسری، جادر، روپوش مدرسه، لباس نوزاد، بعمل آمده است.

۲- معرفی مسئولین فرهنگی خوابگاهها به ارگانهای ذیصلاح برای تهیه وسیله نقلیه جهت برنامه تفریجهای سالم و بازدید خواهران و برادران جنگزده از سوزه، تاتر، نمایشگاه، سینما، پارک و غیره همچنین تهیه بیش از ۱۰۰۰۰ پوستر از موضوعهای مختلف از قبیل شهدای جمهوری اسلامی، صحنه های جنگ تحمیلی، انتحالیات ریاست جمهوری، هفته سپاه پاسداران، هفته جنگ، پوستر امام و مقامات دولتی و غیره از ارگانهای دولتی

برادران شرکت کننده.

۱۲- خرید چهار دستگاه تلویزیون برای سالن اجتماعات (نمازخانه) چهار خوابگاه تحت پوشش

**ب- واحد ایدئولوژی**

۱- تقاضای اعزام مبلغ بعنوان مسئول فرهنگی خوابگاهها در سطح تهران از نهادهای انقلابی مانند شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی - دفتر تبلیغات امام- ستاد مرکزی سپاه پاسداران- دفتر روحانیون مبارز- حزب جمهوری اسلامی- سازمان فجر اسلام

۲- انجام مصاحبه کتبی و شفاهی از متقاضیان کسار در کمیته اجرائی استان تهران تاکنون ۶۹ نفر از خواهران و برادران جهت اشتغال در امور فرهنگی مصاحبه شدهاند که پس از تحقیق محلی ۲۹ نفر از خواهران و برادران جهت همکاری در امور فرهنگی بکار نمودند.

۳- بازدید از خوابگاههای تحت پوشش برای تهیه گزارش و آشنائی بیشتر با میزان پیشرفت فعالیتهای فرهنگی و همسانگ

خط کشی، پاک کن، سائیک و...)

توزیع لوازم التحریر مورد نیاز ۲۵۰ نفر از دانش آموزان مراجعه کننده به کمیته اجرائی استان تهران (مترقعه).

۴- توزیع کتب درسی بین دانش آموزان با پرداخت وجه جهت خرید آن.

۵- تهیه روپوش برای دانش آموزان بسی بسضاعت جنگزده با همکاری کارگاه خیاطی شماره یک (کمیته اجرائی استان تهران). همچنین روپوش سبیه دانش آموزان جنگزده با نرخ عادلانه و ارزاتر از بازار در اختیار آنها گذارده شده است.

۶- همکاری جهت افتتاح و شروع بکار کارگاه خطاطی شماره یک کمیته اجرائی استان تهران.

۷- توزیع جوایزی بین خواهران و برادران جنگزده که در مسابقات قرآنت قرآن و کتابخوانی و نقاشی استیاری کسب کردهاند.

۸- نمایش فیلمهای جالب و آموزنده در کلیه خوابگاههای

# سیری در سیاهند

**\* درنمایشگاه سیری درسیاهنامه راهیان نفاق تلاش گردیده تا این ناقوس هشدار را هرچه بیشتر بفریاد آورد که التقاط مرداب خفتی است که ضد انقلاب داخلی آنرا می پروراند نمایشگاه غصه این درد را قصه میکند که در عصر وزمانه ما به رسم همیشه تاریخ عدهای نادان و هسوایرست، جاهلیت شرک را درردای اسلام احیا کرده و بافتههای بشری را بنام باورهای آسمانی جلوه گر شده اند.**

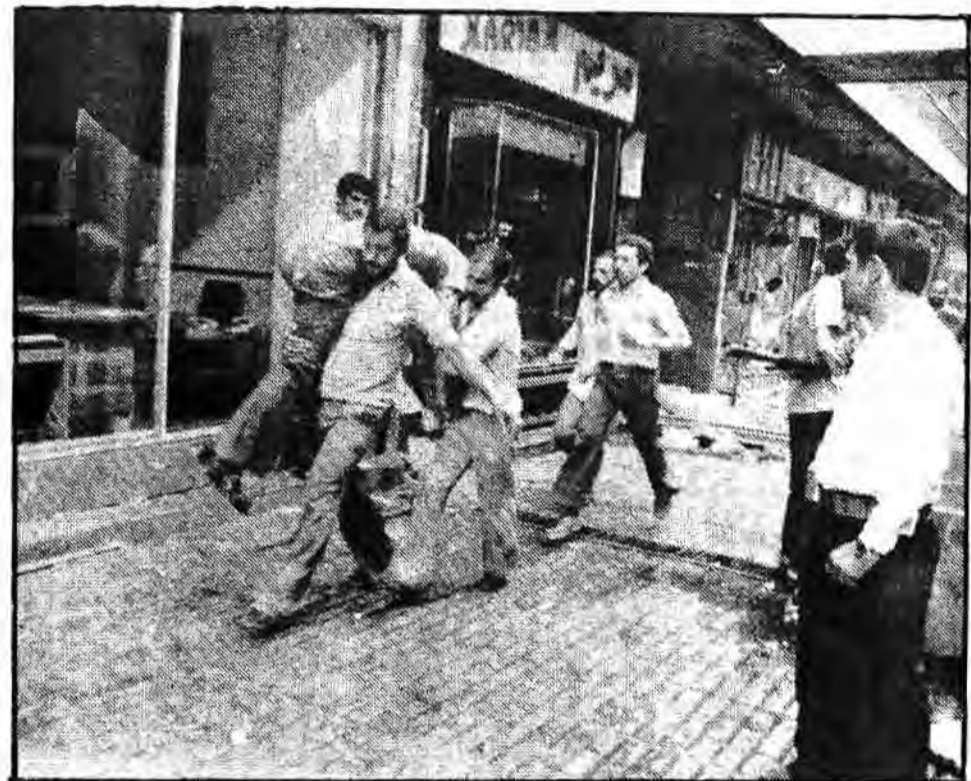
نگین خود را در ادامه چپاول و عارت اموال ملت های محروم و در نتیجه کشتار و قتل عام انسانهای بیخاسته این کشورها می بینند

و برای رسیدن به آمال و ارزوهای واهی خویش از دست زدن به هر جنایت و خیانت فروگذار نکردند، آیا صاحبان اندیشه های التقاطی، آتش بیار این معرکه ابرقدرتها نخواهند بود؟ همانهاییکه سعی وافر در تبیین مادی از مفاهیم اسلامی دارند و همواره می کوشند تا بر اندام مبارک کسبیم لیسای اسلام بیوشانند. و آیا ره نمودهای



انحرافی ایشان در جهت بااصطلاح تصحیح روند انقلاب! در پامال کردن شعارها و اهداف انقلاب اسلامی موثر نبوده نیست؟ در نمایشگاه «سیری در سیاهنامه راهیان نفاق» تلاش گردیده تا این ناقوس هشدار را، هر چه بیشتر بفریاد آورد که «التقاط» مرداب خفتی است که «ضد انقلاب داخلی» آنرا می پروراند.

نمایشگاه غصه این درد را قصه می کند که در عصر وزمانه ما به رسم همیشه تاریخ عدهای نادان و هسوایرست، جاهلیت شرک را در ردای اسلام احیا کرده و بافتههای بشری را بنام باورهای آسمانی جلوه گر شده اند و توحید جاری و اسلام پاک حضرت خاتم المرسلین (ص) دست شوم ناهلانی را نظاره میکند که در تلاشت تا زلال معارف اسلام را به گنداب کفر و الخاد و شرک آلوده سازند و در سعی اند تا السجاد



نمی توانند در برابر انقلاب اسلامی ایران که آغاز گر حرکت جهانی مستضعفین است ساکت نشسته و دست بر دست گذارند، از این روست که دشمنان بشریت

باماهیت اسلامی خویش راهی تازه و نو در برابر سیرا هه های باطل شرق و غرب ارائه داده و طرحی نو عرضه نموده که در تاریخ مبارزه بشریت سابقه

سه سال از پیروزی انقلاب اسلامی میگردد. انقلابی که با حرکت نبوده های میلیونی مسلمان و مستضعف بر علیه طواغیت رمان آغاز گردید



صرفاً در رابطه با پیدایش سازمان منافقین از ابتدا تا کنون و تحلیلی درباره عملکردها و مواضع این گروهک بعد از انقلاب اسلامی است آماده گردید. این نمایشگاه که یکمک واحد نمایشگاهی تالار وحدت برپا

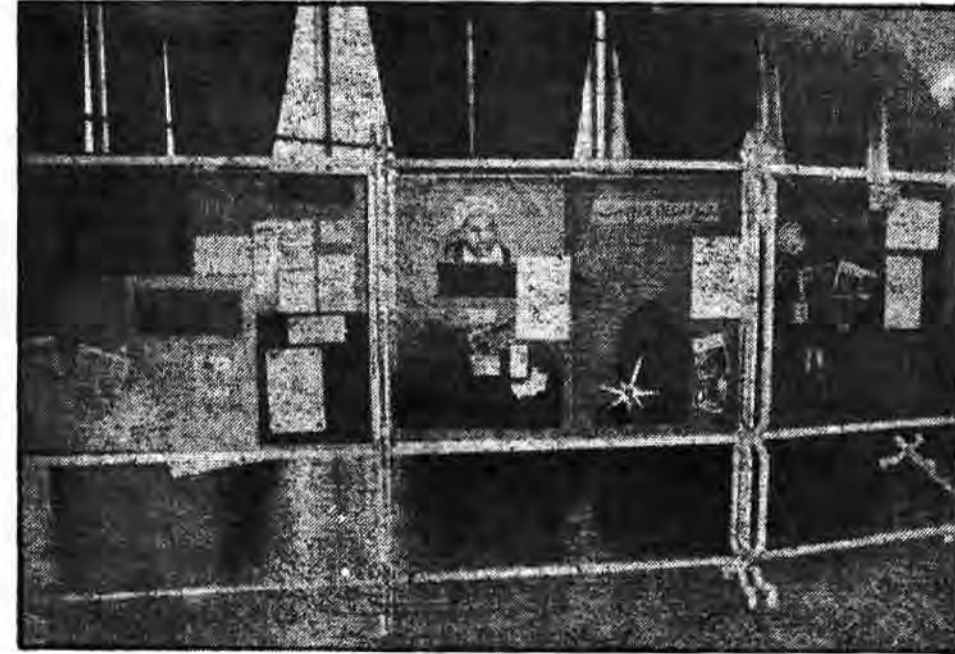
رشد و حرکت در مسیری از اندیشه های التقاطی و سروری است بر عملکردها، مواضع، خیانتها و جنایتهای سازمان از ۲۲ بهمن ۵۷ تا ۲۲ بهمن ۶۰. بیگفته یکی از مسئولین نمایشگاه قرار بود تا همزمان



هر لحظه به طرق مختلف و با استفاده از چهره های داخلی و خارجی بر علیه این انقلاب تلاش می نمایند. نمونه های بسیاری از گروهک های داخلی که از ابتدای ایجاد حکومت اسلامی در ایران فعالیت های ضد مردمی خویش را آغاز نموده اند دست پرورده اربابانی هستند که منافع خود را در این خطه از دست داده اند، گروهک هایی که هر روز همچون قارچ از زمین روییده و از خون امت بیخاسته تغذیه مینمودند

نداشته است، مسلماً باید پذیرای این واقعیت نیز باشیم که سردمداران کفر و الخاد، بر سر این راه روشن سدها و موانع بسیاری ایجاد خواهند کرد، و اگر بپذیریم که اسلامیت این انقلاب بیکر کفر را آماج ضربه های سخت و هولناک خویش قرار داده باید به این واقعیت نیز باور آوریم که نگاهبانان ظلمت کفر در محو اسلام و انقلاب اسلامی تلاشی گسترده نموده و خواهند نمود. بی شک ابر قدرتها و مستکبران جهانی که حیات

و همچنان در نبرد با مستکبران پیش می تازد و می رود تا بنیادی سترگ بر بنیان اسلام بنا نهد، انقلابی که با تکیه بر ارزشهای متعالی اسلام و با پذیرش رهبری مرجع عالیقدر مسلمانان جهان، امام خمینی، پیوندی استوار میان امت مسلمان ایران و روحانیت مبارز و اصل ایجاد نمود. انقلابی که امید مستضعفان و محرومان جهان است... انقلابی که عمر نه چندان دراز خویش را با فراز و نشیبهای بسیار گذراند. اگر ایمان بیاوریم که این انقلاب



گردیده از عکس، اسلاید، طرح، بریده جراید، نوشته های دستی، اسناد و مدارک مدد گرفته است. ابتدای نمایشگاه با سیری کلی در ایدئولوژی و بررسی ریشه های انحراف منافقین آغاز می گردد در ابتدای این بخش می خوانیم که: «دوری گزیدن اعضای

باین نمایشگاه سیری در خطوط فکری و عملکرد جبهه مسلی و سازمان چریک های فدائی خلق نیز انجام گیرد که بعقل وسعت و اهمیت پرداختن به هریک از گروهکها، این کار بیایان نرسید و در نتیجه اولین نمایشگاه تحت عنوان سیاهنامه راهیان نفاق که

و ایمان را پیوندی نامبارک بزنند و با ترک سنتی از سنن رسول خدا (ص) بدعتی شرک آلود جایگزین آن کنند. نمایشگاه، نمایشی است از رگه های بارز التقاط در اعتقادات سازمان منافقین خلق و گذر بست بر تاریخچه این گروهک از تولد تا



# امه راهیان نفاق



**\* نمایشگاه نمایشی است از رگه‌های بارز التقاط در اعتقادات سازمان منافقین خلق و گذریست بر تاریخچه این گروهک از تولد تا رشد و حرکت در مسیری از اندیشه‌های التقاطی و مروری است بر عملکردها، مواضع، خیانتها و جنایتهای سازمان از ۲۲ بهمن ۵۷ تا ۲۲ بهمن ۶۰.**

منافقین از اعلام عقاید خود، مسأله دستگیری سعادت‌نی در حبس جاسوسی با اسناد بدست آمده از وی، سرقت مسلحانه اعضای دستگیر شده منافقین از منازل و فروشگاهها، موضعگیری‌های سازمان در قبال اشغال لانه جاسوسی و افشای نماینده این گروهک (عسیدالکریم لاهیجی) از اسناد لانه جاسوسی، افشای همکاری رجوی با ساواک و نجات از اعدام همراه با اسناد بدست آمده از

با توحید، کفر، شرک، نبوت، حجت‌های الهی، ملائکه و اندیشه‌های مادی مجاهدین خلق، معیار ارزشها، مسأله تکامل، بحث اخلاق، پیوند با مارکسیسم، تفسیر از قرآن و... موضعگیری‌های تابش و ضداسلامی این گروهک طبق آیات قرآن بحث شده است، در قسمتی از این بحث به نقل از تبیین جهان خلد ۳ صفحه ۱۶ از زبان منافقین میخوانیم که «کتابهایی که در دوره تعلیماتی سازمان در این مورد خوانده میشد متعدد بوده که چندتایش را ذکر میکنم بخصوص دو کتاب اصلی را، یکی از «کهنکشان تا انسان» نوشته جان ففر و دیگری «منشاء حیات» اثر پروفیسوره اپارین».

بخش دوم نمایشگاه در رابطه با تاریخچه پیدایش سازمان از کتابها و سخنان رهبران و اعضای کادر مرکزی اولیه سازمان مطالبی بیان شده. در این رابطه از زبان علی میهن دوست میخوانیم که «مارکسیسم علم انقلاب زمان ماست... مارکسیسم چون چنین مستند و روش انقلابی را تجویز میکند، علم انقلاب است». در بخش دیگر نمایشگاه آغاز سازماندهی مجاهدین پس از آزادی از زندان و رشد یادکنکی و سریع آنها و فعالیتهای انتشاراتی، تبلیغاتی آنها مورد بررسی قرار گرفته، موضعگیری‌های این گروهک در قبال انحلال ارتش، گروهکهای دیگر ضدانقلاب، لیبرالها، جبهه دموکراتیک ملی، عزالدین حسینی، قاسملو و سازمان چریکهای فدائی خلق، سلطنت طلبان، ورشکستگان سیاسی و... همراه با اسناد و مدارک همکاری مورد بررسی قرار گرفته است. در بخشهای دیگر طفره رفتن



گردید که در اعتقادات آنها، انحرافات عمیقی بروز کند و پایه‌های عقیدتی اسلامی آنها ست و لزران گردد و در نتیجه سمت‌گیری به سوی کفر والحاد در آنها مشاهده شود» در این بخش ضمن بررسی دیدگاههای رهبران سازمان و برداشت از کتابها و مجلات و اعلامیه‌های این گروهک در رابطه

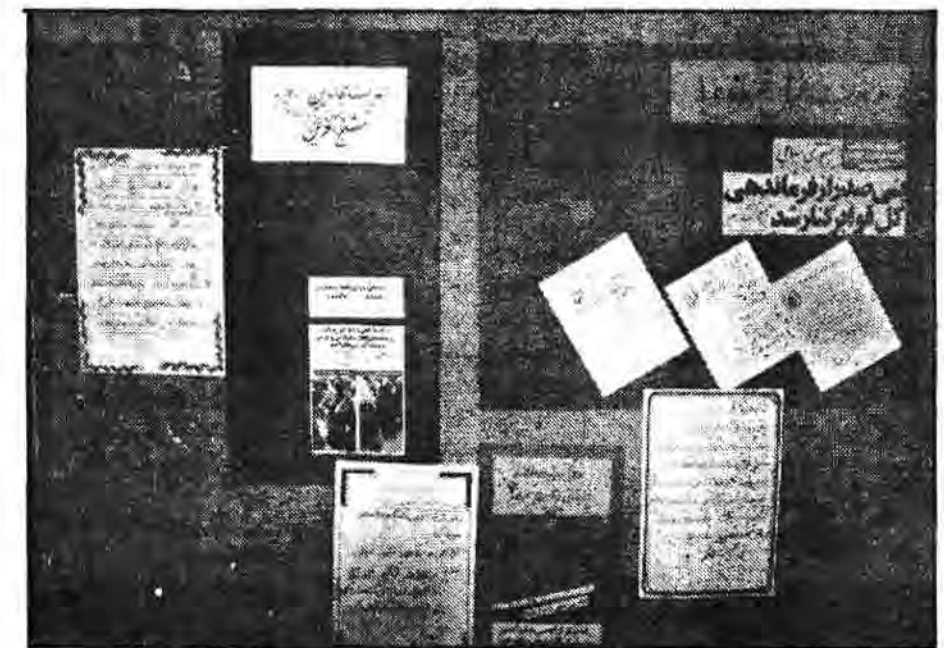
مجاهدین خلق از خط مرجعیت و فطانت اصل تشیع و بیگانگیشان نسبت به روایاتی که در توضیح قرآن و احکام اسلامی از طریق اهل سنت علیهم السلام به ما رسیده از طرفی، و مجاز دانستن تفسیر به رای و غوطهور شدن در برداشتهای شخصی از دین از طرف دیگر همراه با تاثیراتی که از فرهنگ و خوی مارکسیستی و افکارشان نقش بسته بود باعث



مجلات و اعلامیه‌های این گروهک جمع آوری شده است، نمایشگاه با نمایش سقوط قصرکادر مرکزی منافقین و به هلاکت رسیدن موسی حیابانی بی پایان میرسد. در پایان ضمن توفیق برای همه دست اندرکاران و مسئولان واحد نمایشگاهی تالار وحدت

مسئولان مملکتی و مردم از جمله حادثه ۷ تیر و فسرار بنی صدر و رجوی، شهادت رئیس جمهور و نخست وزیر در ۸ مردادماه، وصیت نامه سعادت‌نی در افشای گروهک مزبور و استنادی در رابطه با جلوگیری هواداران از طرف سازمان در رابطه با عدم خواندن این وصیت نامه، و

ساواک منحل، برخورد با روحانیت مبارز و مجلس شورای اسلامی، جوسازی و درگیری در مناطق مختلف ایران، غنائله امجدیه، حمایت از لیبیرالها از جمله بنی صدر و مصدق و جبهه ملی، بحثهای خیابانی و میتینگهای موزمی برای نمایش قدرت و جنجال، مبارزه مسلحانه



در لاهیجان، آغاز شهید در زورق تقاضا، اظهار وجود و آتش زدن اتوبوسها و بشهادت رساندن پاسداران، درگیری و رویارویی با توده‌های بیلیونی و ایجاد فاجعه ۳۰ خرداد، به شهادت رساندن

شهادت دیگر سربازان اسلام از جمله آیتا... دستنویب، قدوسی و حجت‌الاسلام هاشمی نژاد و... همراه با طرحها و عکسها و اسناد مختلف و نقطه نظرهای رهبران سازمان از نوارها، کتابها،

شهادت دیگر سربازان اسلام از جمله آیتا... دستنویب، قدوسی و حجت‌الاسلام هاشمی نژاد و... همراه با طرحها و عکسها و اسناد مختلف و نقطه نظرهای رهبران سازمان از نوارها، کتابها،



سئوالاتی از غیبت امام زمان و ولایت فقیه.

پاسخ سئوال ایدئولوژی این هفته توسط حجت الاسلام رهبر



بسمه تعالی  
همانطور که وعده کرده بودیم تساهل سؤالات عزیزان پاسخ دهیم شما حواسدگان عزیز پاسخ دهیم و در شماره های گذشته نیز پاسخی آورده بودیم در این هفته هم به پاسحکونی یکی دیگر از سؤالات می پردازیم. اما قبل از آن بهتر است توضیح مختصری را عرض نمائیم. خوشبختانه به علت نزدیکی زیادی که از اولین سالهای ظهور اسلام بین این مکتب حیات بخش و فرهنگ جامعه ایران وجود داشته اکنون، از مساجد و مراکز فراوان و غنی مذهبی از قبیل کتابهای معتبر و محورهای علمیه برخورداریم و در برنویس بر محور داری پاسخ به نیارهای ایدئولوژیک فرد فرد جامعه امر دشواری نیست. و سراجی از طریق گوناگون می توان به رفع این نیازها پرداخت اما برای آنکه در زمینه پاسخ به پرسشهای ایدئولوژیک از وجود متخصصین علوم دینی و آشنایان به معارف اسلامی بیشتر استفاده کرده باشیم در نظر داریم که از فصلها و شخصیتهای روحانی خواهش کنیم تا با عنایت خود به بعضی از این پرسشها جواب دهند و ما جواب آنها را به نظر شما حواسدگان برسانیم. پاسخ این هفته به قلم «حجة الاسلام رهبر» تهیه شده است که بدین شرح از نظرتان می گذرد.

س- خلاصه ای از ولایت فقیه را بگویید؟

ج- ولایت بمعنی سرپرستی، زعامت، و اعمال حاکمیت الهی است. خداوند در قرآن کریم برای پاره ای از بندگان خود همچون رسولان و امامان و صالحان، ولایت بر دیگر مردم را مقرر فرموده (انما ولیکم الله ورسوله و الدین یقیمون الصلوة و هم را کفون) با استناد به این آیه و آیات مشابه دیگر است که پس از پیامبر از برای ائمه طاهریین تسات ولایت گردیده است.

- وجدان آگاه جامعه رهبری صالحان را بر رهبری جائران و فاسدان ترجیح خواهد داد.
- فقیهان دژ استوار اسلام هستند.
- ولایت فقیه به معنی نادیده گرفتن حق انتخاب جامعه نیست.
- ولایت فقیه به معنی حاکمیت مطلقه فقیه نیست بلکه به معنی حاکمیت خداوند در لباس چنین شخصی است.
- در روایاتی که از شیعه و سنی نقل شده از گسترش اسلام به رهبری امام زمان خبر داده شده است.

فقهی جامع شرایط رهبری رسیده است. مانند اینکه: «والعلماء ائمه» و «الرسول» دانشمندان مسئول والهی امین پیامبرانند. و «والعلماء ورثة الانبیاء» عالمان الهی وارث پیامبرانند. یا «ان الفقهاء السموئین حصون الاسلام» فقیهان باایمان دژ استوار اسلامند. و سادیکر روایات که از ائمه طاهریین و خصوص از حضرت حجت علیه السلام رسیده است که فقهاء ذیصلاح حجت خدا و حاکم در میان مردم اند و در حوادث و وقایع روزمره تاریخ باید به آنان مراجعه نمود.

براین اساس بالاترین مقام معنوی و دینی و اجتماعی و سیاسی در نظام اجتماعی اسلام در عصر غیبت با فقیه عادل آگاه بمسائل و نیازهای زمان میباشد. ولایت فقیه هم چیزی جز رهبری فقیه ذیصلاح و واجد شرایط نیست. بموجب این ولایت است که فقیه باید بر کل مسائل جاری جامعه اسلامی و بر مقام قانونگذاری و قضائی و اجرایی اشراف و نظارت داشته

صریح ندارد فقیه آگاه و زمان شاسی بر اساس کلیات قوانین حکمی خواهد داشت که در جهت مصلحت مسلمین حرکت کند و منافعی با احکام اسلام نبوده و در جهت پیشرفت معنویت و مادیت جامعه و رشد و شکوفایی ابعاد مختلف زندگی بشر پویا باشد.

س- چرا امام در غیبت است و چرا وقتی که امام ظهور کند در کشورها نیکه فساد در آنها بیشتر است ظهور نخواهد کرد؟ و آیا زمان ظهور نرسیده است؟

ج- غیبت امام زمان (عج) از مسائل قطعی و مورد اتفاق عموم مسلمین است. روایات بشماری از پیامبر و ائمه طاهریین، از طریق شیعه و سنی نقل شده که در آنها به غیبت آن حضرت تصریح گشته و از آینده جهان و گسترش اسلام با رهبری وی خبر داده شده است.

در مساله غیبت چند امر را باختصار یادآور می شویم:

۱- استمرار رهبری امام معصوم که حجت خدا در زمین برای همه دوره ها و نسل های بشری است. بنا به روایاتی که از پیامبر اکرم (ص) رسیده زمین هرگز از حجت خالی نبوده، خواه حجت ظاهر و یا حجت غایب و امام و حجت روح جهان و سبب بقیه در صفحه ۱۱

- پیامبر اکرم: مردم جهان از وجود حجت غائب آنگونه بهره مند می شوند که از وجود خورشید در پس ابر.
- امام واسطه فیض خدا میان خلق است.
- امام کاظم: غیبت امام عصر امتحانی است که خدا برای مردم پیش آورده.
- غیبت و انتظار روح امید است که تار و پود یاس را سوزانده است.

نگارنده: نفیسی  
بسم الله الرحمن الرحيم  
الله نور السموات والارض  
شنیدی مگر وزیر رو دیدی خوش بیاوری ترسایان و خوانندی رازهای پنهانی وزیر و شاه را در نابودی دین عیسی (ع) و ترا گفته آمد حدیث قال و مقال و دقت در این حدیث که نکند فریب متقال را از راه قال خوری و حال گوش گیر تا باقی این مگر ترا گفته آید که حدیث مگر و نفاق را پایانی نیست مگر با ظهور حضرت بقیه الله عج

(دنباله داستان)  
سددت شش سال در هجران شاه  
شد وزیر اتباع عیسی را پناه  
دین و دل را کل بدو بسپرد خلق  
پیش امر و حکم او میبرد خلق  
پیغام شاه پنهانی یسوی وزیر پرتزویز  
ترا بسیار گفته آمده است که در این راه گندم نمایان جو فروش  
بسیارند و شیطان در راه دام بسیار گسترده و ترا آن هوشیاری باید  
که خود در پناه حضرت حق گیری تاراه بسلامت بری. از این رو  
باید که باطل و ظلمت را شناخته و نور و حق را تشخیص داده تا چاه  
از راه ترا روشن آید. و در این معنی است که ما ترا تزویز وزیر  
میگوئیم و شرح حال وی می نمایم تا باطل خویش را در پرده پنهان  
نتواند نگاه دارد. و شاه وزیرش را و مقلدش را اشارت بر بیان دادن  
به کار ترسایان میکند.

که صبر به آخر رسید و موقع آن شد که حیلۀ بزرگ در  
کار ترسان در اندازی.  
گفت اینک اندر آن کارم شما  
کافکنم در دین عیسی فتنه ها  
قوم عیسی را بداند ردار و گیر  
حاکمانشان ده امیر و دو امیر  
هر فریقی مر امیری را تسع  
بنده گشته میر خود را از طمع  
این ده و آن دو امیر و قومشان  
گشته بنده آن وزیر بدنشان  
اعتصا جمله بسر گفتار او  
اقتدای جمله بسر رفتار او  
پیش او در وقت و ساعت هر امیر  
جان بدادی گرد و گفتمی که میر  
چون زبون کرده که نه بودک جمله را  
فتنه انگیزت از مکر و دها

و قوم عیسی (ع) را در آن روزگار دوازده فرقه بود و هر قوم را  
امیری و این ۱۲ امیر جمعلگی عقل خویش به مکر وزیر سپرده  
بودند و او در کار ایشان حیلها و زیرکی ها بکار میبست که در  
لغت زیرکی را (دها) نیز میگویند و تو خود اندیشه دار که این  
زیرکی در چه راه مورد استفاده قرار گرفته است و سر مکرهای  
شیاطین عالم تفرقه و جدائی است و وزیر نیز این حیلۀ بکار  
میگیرد.

ساخت طوماری بنام هر یکی نقش هر طومار دیگر مسلکی  
تخلیط وزیر در احکام انجیل و مکر آن  
حکمه های هر یکی نوع دگر  
این خلاف آن زبایان تا بسیر  
در یکی راه ریاضت را وجوع  
آن توبه کرده و شرط رجوع  
در یکی گفته ریاضت سود نیست  
اندر این ره مخلصی جز جود نیست  
در یکی گفته که جوع وجود تو  
شرک باشد از تو بسامع بود تو  
جز توکل جز که تسلیم تمام  
درغم و راحت همه مکر است و دام  
در یکی گفته که واجب خدمت است  
ورنه اندیشه توکل تهمت است

# بزرگ بانوی اسلام

بقیه از صفحه ۱۶  
ای دخت روشنترین جبینی که زمین را بر روی دو کتف خود  
بلند کرد و آسمان را تا بروی دو دست خویش پائین آورد.  
... و تو جز دو نوبت برای زمین لیسختن نزدی: لیسختندی در  
سیمای پدر، آندم که بر بستر مرگ آرمیده و تو را مژده قرب وصل  
میداد و لبخندی دیگر، بدانهنگام که آن لبخند گراگرد لبان تو  
میگردید، در آن دم که جان بر لب داشتی و واپسین دم خویش را  
برون میفرستادی.  
و تو با محبت زیست کردی پایکزمتترین قلبی که پاکدامنی  
زندگی آنرا لمس کرده است، و تو با پاک و پاکدامنی زیستی ای  
پاکیزهترین مادری که دو ریحانه زادی و پروردی و بر وقار آندو  
جامه ای از بخشندگی پوشاندی!

# الدُّنْيَا سَمْوَاتٌ وَ اَرْضٌ

در یکی گفته که امر و بی‌ها است  
بهر کردن نیست شرح عجز ماست  
تا که عجز خود بسیم اندر آن  
قدرت حق را بدانیم آن زمان  
در یکی گفته که عجز خود بین  
کفر نعمت کردن است آن عجز بین  
قدرت خود بدین که ایستد از او است  
قدرت خود نعمت اودان که هوس  
در یکی گفته مکش این شمع را  
کاین نظر چون شمع آمد جمع را  
قصه در این راه ویران و شاهان ظالم سپارد و با صورت‌های  
گونه گون و رنگ‌های زینا جلوه‌ها در نظر آورد تا تورا از راه سه  
بیراه برده و از بیراه به چاه ظلمت در اندازد. و این همه که گفته  
آمد و این همه مگر که وزیر امیران را میکند در وجود توست و این  
امیران هر کدام حالتی از حالات تو است و هر کدام راتوان‌ها و  
احتیاج‌های بسیار است که در صورت اتحاد و نداشتن تضاد و  
ضدیت بزرگی‌ها از ایشان تواند که سر برد. اما وزیر وجود که حر-  
رشد و حسد کار دیگر ندارد حبله بکار گیرد و عناق در میان دل  
انسان در اندازد و روده را از راه راست به بیراه برد.  
حال تو خود اندیشه بکار گیر. که تاجه حد وزیر وجودت در تو  
نفوذ کرده و تاجه اندازه فرمانبرداری او را بحال خریدم‌ای.  
و بدان که این وزیر در وجود تو بهادماند ولی برای آنکه  
تو در این راه پر پیچ و خم آزمایش، از او هر کمی ساری و راه را رود تر  
بپایان بری اما افسوس که اکثر مردمان خود مرکب این وزیر شده و  
سوارى گرفت سوارى میدهند. و ایها همه ریشه در وجود ما داشته  
و از ظاهر بی‌بی‌ها مار پشه میگردد و آنچه سبب نگارش مثنوی و همه  
کتب الهی گردیده شناساندن نفسانیات انسان است تا راه از بیراه  
بشناسد.

از هوای خویش در هر ملتی  
گشته هر قومی اسیر ذاتی  
از نظر چون بگذری و از خیال  
گشته باشی نیمشب شمع وصال  
وزیر در این حبله که برنامه در قوم عیسی (ع) داشت چه  
افسون‌ها که نمی‌خواند وجه مگر که بکار نمی‌بندد و در این  
معنی مولانا را اشعاری است که همه حکایت بر خوش سآوری قوم  
عیسی (ع) دارد ولی تو بندار که این خوش‌باوری را تنها قوم عیسی  
(ع) راست و پس که آنچنانکه گفته آمد وزیر شیطان است که آمار  
میدهد اما تو قوم عیسی (ع) هستی که این آواز میشوی و این مگر  
را در نیامی و آن حبله قوم شیطان است که با تفرقه و جدالی

حکومت خویش برقرار میکند و حرف خویش سگری میشاند و از  
هر راه که سواد و با هر چهره که ترا عریض پیش خواهد آمد گاهی  
سجن از رهد گوید و داعیه دوستی پروردگار گیرد گاهی سانس  
رزم در آید زمانی صورت رسی ریساری و گاهی حرفه معوا بپوشد.  
و چهره‌های سیار بکار گیرد تا مرد از راه ندارد هر قدر که مقام  
بیشتر گردد خطر این دشمن دیرینه انسان نیز بیشتر شود و حال  
که ترا حلو از این مگر گفته آمد بشو چگونگی این حبله که وزیر  
قوم عیسی (ع) را بکار می‌بندد.  
در یکی گفته که بگذار آن خود  
کان قبول طبع تو رد است و بد  
راه‌های مختلف آسان شدت  
هر یکی را ملتی چون جان شدت  
گو میسر کردن حق ره بدی  
هر جهود و گبر از او اکه شدی

در یکی گفته میسر آن بود  
که حیات دل غذای جان بود  
هر چه ذوق طبع باشد چون گذشت  
بسر نیارد همچو شوره ربیع و کشت  
جز پشیمانی نباشد ربیع او  
جز خسارت پیش نارد بیع او  
آن میسر نبود اندر عساقبت  
نام او باشد معسر عساقبت  
تو معسر از میسر بازاران  
عساقبت بسنگر جمال این و آن  
(و معسر) دشوار کننده معنی دارد.

در یکی گفته که استادی طلب  
عساقبت پیش نیامی در عسب  
چشم بر سر و ندارد اینستلاف  
دور شو تپایبی از حق ائتلاف  
عساقبت دیدند هرگون استی  
لاجرم گشتند اسیر ذلتی  
عساقبت دیدن نباشد دست بساف  
ورنه کی بودی ز دین‌ها اختلاف

در یکی گفته که استاهم توئی  
زانکه استا را شناسام توئی  
مرد باش و سخیره مردان مشو  
روسر خودیگر و سرگردان مشو

در یکی گفته که اینر حمله نوتی  
می‌نگهد در میان مسدوتی  
ایستهمه اغبار ما خر بیکی است  
هر که اودوسبدا حول مردکی است  
در یکی گفته که صدبک چون بود  
ایکه اندیشد مگر محور بود

و تو خواندی حدیث مفصل نفاق را که هر یک را بصورت بی‌وسه  
مطلبی و به نقطه صغری معرفی.

هر یکی قولیت صد همه گبر  
چون بیکی باشد سگوز هر و سگر  
در مسامی اختلاف و در صور  
رو روش بیسی خار و گل سنگ و گهر  
تساز هرواز شوگر در بگردی  
گمی تسو ار گلزار وحدت بسوری

و تو ای عزیز مصر همه مکان‌ها و تو ای یوسف سیرت همه ما‌ها  
سفارشی چند است  
که امید داریم بگوش خاں شوی و در صورت قبول بکار گیری.  
اول آنکه وقت از دست بدهی ناردست شده و قدر وقت سیار  
داری  
دوم آنکه مکان و زمان خویش دریایی تا مصر بود مکات و  
یوسف بودن زمانت را دریایی سوم آنکه به اداره توانائی‌ها را خود  
نوقه داشته باشی تا از اهل خیال ناشی چهارم آنکه: سرگمها و  
شیدهای ظاهراً اطمینان سدی و تأمل دریافتن معانی بکار گیری  
پنجم آنکه: دل به نیت‌های حیر سدی و نیت خویش به دعا پاک  
نگاهداری

ششم آنکه: جز دوستان حدای بدوستی مگیری و حردنمان  
خدا دشمنی نوزی  
هفتم آنکه: دوستی حمیمی در دل و اندیشه و عمل بکار سدی  
که هر آنچه تو را گشته آمد اگر در دل دوستی او نباشد آن همه را  
فایده نیفتد و این تو را بسیار مگر آمده اما اگر همه عالم قلم گردد  
در شرح این ماجرا همه بشکند و ماجرا پایان بیدید  
و ما خود بقدر آنچه میدانیم ترا می‌گوئیم تا تو چه می‌گویی  
چه در عمل آری و این حق بدان ما کار خویش کرده‌ایم (سقدر و سغ)  
و اگر تو کوتاهی کسی در روز قیامت توانی به ما گوئی که داستی  
و نگفتی و اگر معای این سخن دریافتی و آن هفت سمارش بکار  
بستی و دردعا بروی خویش نگشادی و در این میان دل شکسته  
داشتی ما را نیز از دعای حیر فراموش مدار که بسیار محتاجیم بدعا.  
والسلام

## پاسخ سؤال ایدئولوژی

استقرار زمین و ثبات وضع  
زندگی نوع انسان است.  
۲- استفاده مردم از این  
حجت- پیامبر اکرم فرمود: مردم  
جهان از وجود حجت غایب  
بهره‌مند میشوند آنگونه که از  
خورشید پس ابر استفاده میکنند  
و اشعه آن از پشت ابرها بر  
موجودات فرو میبارد. امام نیز  
واسطه فیض میان خدا و خلق  
است، و این واسطه باید همواره  
برقرار بماند. ممکن است این راز  
معنوی را نتوان با مفزهای مادی  
دریافت ولی بر اساس شناخت  
توحیدی و معارف الهی و اسرار  
غیبی، این معنی بر موجدان  
مسلم و برای مؤمنان  
پذیرفته است.  
۳- علت غیبت نیز در اخبار  
بہان شده است. مثلاً در روایتی

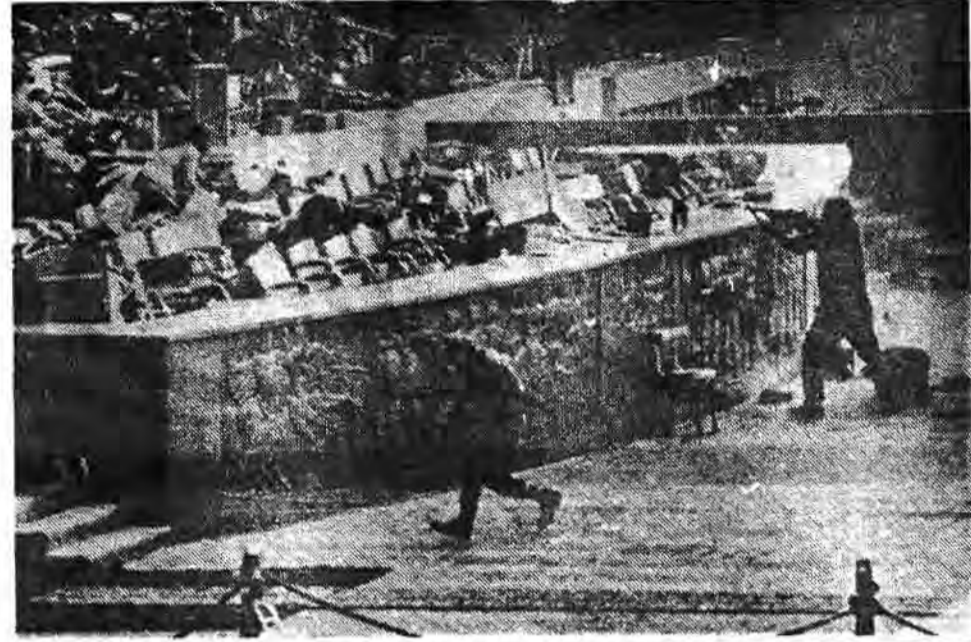
مسأله غیبت و انتظار در طول  
تاریخ پسر شیب و فرات تشیع  
بزرگترین امید و پشتوانه و عامل  
تحرک‌ها و جهش‌ها و جهادهای  
اسلامی بوده است. غیبت و  
انتظار در حقیقت پرخشگری علیه  
ظالمین و عصیان در برابر  
مستبدان و حکام ستمگر بوده  
است و لذا مسیبه شیعه سا  
تمسک بولایت و غیبت و انتظار،  
همواره جبهه‌های بوده مستقل  
بر اساس فرهنگ و ایدئولوژی  
اسلام و روح امامت و تکیه بر اصل  
رهبریت، و بهمین دلیل انواع  
رنجها و محرومیت‌ها و شکنجه‌ها  
را پذیرا شده است، اما در برابر  
حکام جور سر به تسلیم فرود  
نیآورده است.  
خلاصه آنکه مسأله غیبت و  
انتظار امام معصوم و عادل،  
پیوسته‌الهام بخش این جمعیت در  
جیشهای آرادی بحث و قیام‌ها  
و حرکتهای علیه طاغوتیان عصرها  
بوده است. روح امیدی که تار  
و پود یاس را سوخته، فروغ  
تاندای که پیرده‌های سیاه  
ظلمت را دریده و به منظرش توان  
و نشاط و تحرک بخشیده است.  
و اما زمان ظهور امام، در این  
خصوص باید بطور خلاصه بگوئیم  
که برای ظهور مهدی (ع) وقت  
مشخص و دقیقی معین نشده البته  
علائم ظهور بیان گردیده است که  
بعضی از این علائم تحقق یافته  
و بعضی هنوز صورت وقوع  
نیافته است. برای اطلاع بیشتر  
بکتاب مربوط به امام عصر (ع)  
و علائم ظهور مراجعه شود.  
و اما در خصوص محل ظهور  
امام، چنانکه از اخبار برمیآید وی  
از مکه قیام خواهد نمود و دعوت  
از جهانی خود را براساس گیتی  
گسترش داده و تمام کشورهای  
جهان ام را مسلمان و بسا  
غیرمسلمان را بر سر چتر اسلام  
خواهد آورد.

سپس زمین را همراه با یخندی استهزا امیز رها کردی و ناگهان  
زمین همه تار و پود خود را، در طول نسلها بر تو محکم کرد،  
آنچنانکه گوئی آرزوهای زمین نسبت به تو همانند عطش سراب به  
قلطرات شبنم و باران بود. و به خاطر میل به رشد و شوق به دادن  
ثمر، همچنانکه سنبل از دل خاک سر بر میزند تو از زیر کفن  
غنچه‌وار سرزدی، ای بستر باران در دل ابر.  
ای دخت پیامبر! ای همسر علی!  
ای امام حسن و حسین!  
و ای بزرگ بانوی زنان همه جهانها!  
ای دختر بقیع...  
ای کبریای جان در عنقوان شرم و حیا...  
کدام قطره سرشک تو است که دیدگان را به آتش نکشد در  
حالیکه تو بر آرامگاهی قرار گرفته‌ای که پیروانت با چشمی گریان  
و دلی به گرفتگی غروب پائیز و مظلومیتی به بلندای تاریخ بر  
مزارت حاضر میشوند و ظهور فرزندت را طلب میکنند، ما همه در  
سوگ تو خون خواهیم گریست. ای همانند مریم!  
ای نای پیامبر!  
ای برآشتگی لحد!  
و ای ز، در نیام!

# مجریان حق: سادات را بخاطر خدا کشتیم.

یکی از متهمان مهندس احمد صالح حین محاکمه زخم بزرگی را به حاصرین و قاضی‌ها نشان داد که در زندان بر اثر شکنجه بوجود آمده بود. یکی دیگر از متهمان عبدالسلام که به اتهام قرار دادن وسایل نظامی در اختیار عاملین کشتن سادات دستگیر شده بود. فریاد زد که ویدرم را دستگیر نموده‌اند و گفته‌اند که اگر اعتراف نکنم پدر و مادرم را خواهند کشتند. دادگاه برای تحقیق در مورد ادعاهای شکنجه محاکمه را ده روز تأخیر انداخت. برای وکلای متهمان اجازه ورود به جلسه اول

- خالد اسلامبولی: ظالم را من کشتم
- فرعون را من نابودش کردم
- ما پرچمان را بخاطر خدا باز کردیم
- محکومان با صدای بلند الله اکبر سردادند.
- یکی از مقامات مسئول قاهره: همه متهمان محکوم به مرگ خواهند شد.
- انقلابیون خواهان بسرقراری رژیم جمهوری اسلامی میباشند.
- از تاریخ اعدام انقلابی سادات بیش از ۱۵ هزار نفر از مسلمانان دستگیر شده‌اند.



## اعدام انقلابی سادات خائن



می‌دند:

«نا پیروزی نهائی اسلام، جاری شدن خون ادامه خواهد یافت. رئیس گروه اعدام کنندگان سادات «اسلامبولی» نیز چنین فریاد می‌زد: «ظالم را من کشتم، فرعون را من نابودش کردم، ما پرچمان را بخاطر خدا باز کردیم و برافراشتیم. ما معتقد دینی هستیم که به پیروان خود درس فداکاری و از خود گذشتن می‌دهد». بعد همه محکومان چند بار با صدای بلند فریاد «الله اکبر» را سردادند. ولی تلویزیون مصر که قسمتی از این محاکمه را نشان می‌داد،

می‌داد مردم از قضیه محاکمه باخبر شوند و برای نجات آنان قیام‌گسند. گروه اول جمعا ۲۴ نفر بودند که ۳ نفر از آنها افسر بودند. عبدالمجید محمد دانشجوی دانشکده مهندسی دانشگاه اسیوت مصر یکی از متهمان بود، که بخاطر شکنجه‌های زیاد، قادر نبود حرف بزند، به جلوی رئیس دادگاه آورده شد. ۲۳ نفر دیگر نیز در سالی بیدادگاه توسط یک قفس کوچک به جلوی رئیس دادگاه آورده شدند. قبل از اینکه شورای قضات وارد سالن محاکمه شوند، متهمان یک صدا چنین فریاد

در بیدادگاه مصر متهمان: سادات را بخاطر خدا کشتیم دو گروه از متهمان عامل بیدادگاههای رژیم مصر به جلوی میز محاکمه کشیده شدند. این محاکمه در قرارگاه ارتش واقع در «کوه سرح» شمال شرقی قاهره بریاست سرلشکر «صامر آتیه» تشکیل شد. متهمان که در بین اقتدار مردم طرفدار زیادی دارند، در ریزر تدابیر شدید امنیتی مأمورین دولتی به محل محاکمه برده شده و نیز محل محاکمه از اقتدار مختلف مردم محفی نگهداشته شده بود که

داده نشد. بطوریکه بعضی از مسئولین و مقامات قاهره قبلا اظهار می‌داشتند، نتیجه قطعی محاکمه متهمان چنین می‌باشد: همه متهمان محکوم به مرگ خواهند شد. افسران تیرباران شده، شخصی‌ها نیز به دار آویخته خواهند شد. مطبوعات رسمی و مقامات دولتی، برای متهمان مسلمان فقط کلمه «خائنان» و «خائنان» را بکار می‌بردند. در حالیکه این افراد در بند، حکم مشترک تمام مسلمانان را در مورد بزرگترین خائن تاریخ معاصر اسلام به اجراء در آورده‌اند. نام آنان در تاریخ اسلام به‌عنوان قهرمان ثبت خواهد شد. وزیر دفاع خود فروخته، ابوغزاله در مورد متهمان از داشته بود که «تیرها» که به این افراد بکار گرفته خواهد شد حیف است. آنها باید بدار آویخته شوند و یک هفته در دار آویخته بمانند. جالب‌تر اینجاست که شخص مذکور که از خود چنین شهادت نشان میدهد و خواهان اجرای به اصطلاح عدالت می‌باشد، چند سال پیش در واشنگتن در سفارت مصر، مدیریت خرید اسلحه را انجام داده و بر اساس افشاگری «جک اندرسون» در ماه گذشته، در آن معامله همراه با ژنرال منیر تباط یکی از نزدیکان حسنی مبارک در دزدی بزرگی دست داشت البته خود مبارک نیز در این دزدی دست داشته است. علاوه بر این گروه ۲۴ نفره، یک گروه ۷۰ نفره دیگر نیز از تاریخ ۸ نوامبر به اینطرف از سوی دادستانی بسازجویی

اعدام‌کنندگان سادات هنگام رژه رسمی در ۱۶ اکتبر، ستوانیکم خلیل احمد شوکی اسلامبولی، و دکتر عمراحمده عبدالرحمان که گفته می‌شود رهبر معنوی گروه می‌باشد. (مراجعه شود به لیست پایانی)

قسمتهائی را که در بالا ذکر کردیم سانسور نموده بود. ۳ نفر از افرادی که از بین متهمان پیش قاضی برده شده بودند عبارت بودند از سرهنگ دوم عبید عبدالطیف‌الزومر (از اداره آگاهی نظامی) رهبر گروه





فروخته باعث شد تا عوامل یکی از «بهترین روشهای» استعماری تا امروز ادامه پیدا کند اگر امروز، در مصر اسلامی مردوری بنام حسی مبارک باد، سومالی افسر خود فروختنای بنام «ریاد ساره» بادریمابوه یک انقلابی دیروز وار نحاعی امروز بنام «مواگابه» و امثالهم رادر سرزمینهای مختلف قاره سیاه وسفید را سکار گماشته و باتمام نیرو آر آنها دفاع میکند، بر پایه همین روش مروزه و مردم فربینانه استعمارگران عمل میشود.

سایروری انقلاب اسلامی در ایران که منشور آزادی ورهائی مستضعفان جهان در برترتو اررشهای اسلامی و مبارزه علیه استعمار و استبداد بکار دیگر رقم زده شده است، ملت‌های زیر ستم فرصت می‌یابند تا چهره‌های مشکوک و خود فروختنای را که کمک سرنیزه اسرفدترها و قدرت‌های شیطان‌ی بر آنها حکومت میکنند، بشناسد و علیه آنان دست به قیام انقلابی بزنند. امروزه دیگر درب این «دکان» ها، بسته شدنی است. دلان سیاسی پیش از این نمیتوانند مسایع سرشار و شروت‌های سیکران انسانی و طبیعی ملت‌های خویش را به سهای چند روز حکمروائی و جوشگردانی به استعمارگران و امپریالیسم و صهیونیسم بعروشد. ملت‌های زیر ستم این قاره مظلوم و بزنجیر کشیده شده بیدار شده‌اند و این طنین همه جا پیچیده است: از خواب گران، خواب گران، خواب گران خیز!!

هـ- مسافر (مهری)

استعمارگران قدر، بسد اروپائی، طی بانصد سال نخره تجاوز، غارت و چپاولگری خویش، همیشه از قیام توفنده ملت‌های زیر ستم در هراس بودند و موارات تحمیل اندیشه‌های انحرافی و تغییرات تحمیلی فرهنگی ملت‌های بسند کشیده شده آفریقائی پیوسته تلاش میکردند تا ناستهای اصیل افریقائی را ستم خود و مسافع عارتگرانه خویش مورد استفاده قرار دهند و حتی از واسط ساده «بندر سالاری» ساخت جامعه قبیله‌ای افریقائیل و اعتماد و احترامی که سررگان در جامعه خویش داشتند، بهره‌برداری مروزانای نمودند. «ورسای» سست عسصر، شکمپرست و سی‌اراده رادر سدل «تنگی از شراب» و «صدوقی از قشنگ» و «مسعدودی ارسلاح آتشی» خریدند و راه را سرای ادامه حضور غیر مستقیم خویش در صورت انقلاب میلیون‌ها انسان آفریقائی آماده کردند.

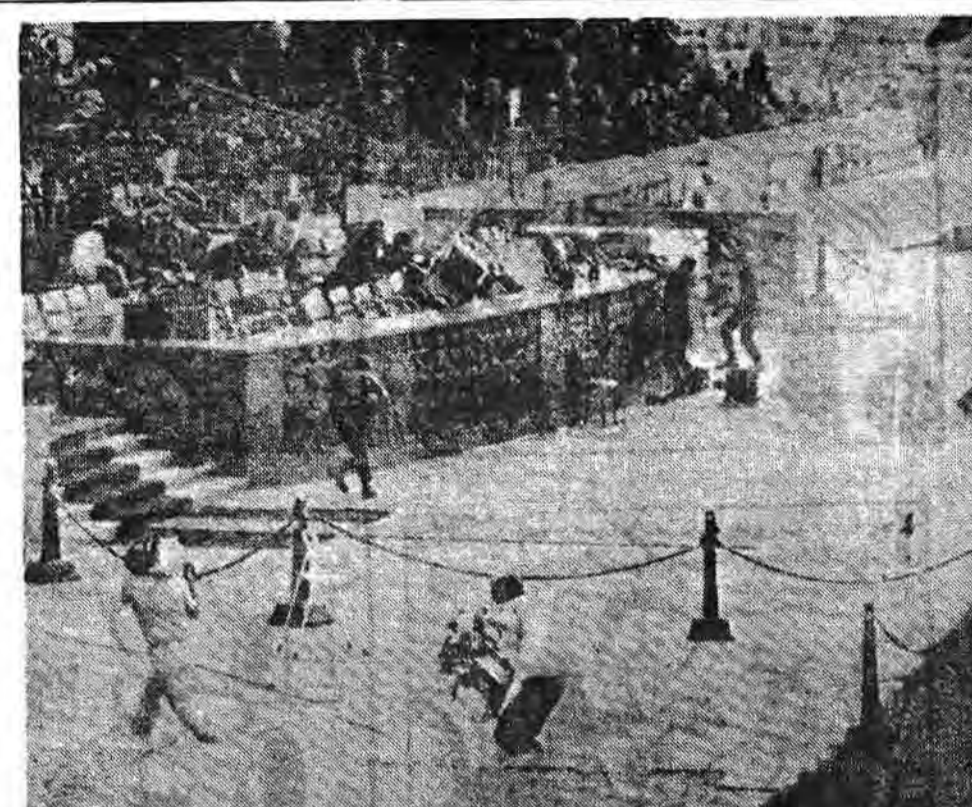
این عکس یکی از سران قبایل زادر آخرین سال‌های حضور استعمارگران انگلیسی در آفریقای سیانسان میدهد که خود و فرزندانش در مقابل وجهی و موادی ناچیز در خدمت حراست از منافع چپاولگرانه استعمار قرار گرفتند و بدین سان همان راهی که امروزه امپریالیسم و استعمار نو، دنبال میکند، در پیش گرفتند. آن «راه» در واقع «سدخل» جدید استعمارگران در جامعه آفریقائی بود، جامعه‌ای که اقصاد شجاع آن استعمارگران را از «درب» این قاره رانده بودند. نفوذ از طریق و عمال دست نشانده خود

عبدالاعلی: کتاب فروش و سر بار قدیمی  
۳- حمیده راحل مهندس و یک سر بار قدیمی.  
۴- حسین عثمان محمد: در ارتش مصر گروهان بود.  
۵- محمد عبدالسلام فرج عطیه: مهندس  
۶- کریم محمد رعد: مهندس دانشگاه السیوت.  
۷- فواد محمود احمد حسی و بسا به اسم دیگرش فواد الدوالیبی: میل فروش  
۸- عاصم عبدالمجید محمد: دانشگاه السیوت.  
۹- ائامه ابراهیم حافظ: دانشگاه السیوت.  
۱۰- دکتر عمر احمد علی عبدالرحمان: استاد در دانشگاه الازهر.  
۱۱- صالح احمد صالح حامی: مهندس  
۱۲- عبید عبدالطیف الرموز: سرهنگ دوم در اداره اطلاعات ارتش مصر.  
۱۳- عبدالناصر عبدالجلیم احمد دارا: دانشجو  
۱۴- طارق عبدالمجید الرموز: دانشجوی دانشکده کشاورزی دانشگاه قاهره (پسرخواهر سرهنگ دوم عبدالطیف الرموز).  
۱۵- محمد طارق ابراهیم محمد: پزشک دندان.  
۱۶- ائامه السید محمد قاسم: دانشجوی دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه زکریک.  
۱۷- صالح السید: رنگ کار.  
۱۸- علام‌الدین عبدالمنعم: دانشجوی دانشکده آموزش دانشگاه زکریک.  
۱۹- انور عبدالعظیم:

بمردن آنها می‌باشد. ولی این حقیقتی است که مردم مصر به این نوع دروغ‌پراکنیها هیچ گونه اهمیت نمی‌دهند.  
بدنبال حادثه ۶ اکتبر، رژیم وابسته مصر برای اینکه از تکرار این حادثه جلوگیری نماید و خطر را رفع کند، ۳۰ افسر و ۱۰۴ سرباز را که مظنون بودند از ارتش اخراج نموده و به قسمتهای دیگری انتقال داد. سادات قبل از کشته شدن در یکی از سخنرانیهای خود مسلمانان مبارز مصر را تهدید کرده و اعلام داشته بود که لیست اسامی هفت هزار از مسلمانان



دانشجوی دانشکده آموزش. ۲۰- محمد طارق اسماعیل المصری: راننده  
۲۱- علی محمد فرج: نجار  
۲۲- عبدالله محمد محمد سالم: دانشجوی دانشکده اصول دین.  
۲۳- ابراهیم حمید: صاحب داروخانه.  
۲۴- سیید محمد علی اسماعیل.  
چهار نفر اول این افراد، کسانی هستند که در اقدام انقلابی سادات شخصاً شرکت داشتند. بقیه نیز به اتهام همکاری با آنها دستگیر شدند. برای همه اینها حکم اعدام خواسته می‌شود.



اعدام سادات، نخستین گام در جهت‌رهای

اعضای سازمان مذهبی سرهنگ دوم «الرموز» دستگیر شده است. در ۲۸ اکتبر دکتر کامل بوخی مدیر ایستگاه بخش قرآن رادیو قاهره و نیز یکی از اعضای بخش دستگیر شدند. اتهام این دونفر این بود که نوارهای پیام خطاب به مسلمانان مصر آماده کرده بودند که بنا بود بلافاصله پس از سرنگونی رژیم مصر از رادیو بخش کند.

از سوی دیگر چنین گفته می‌شود که این عملیات مسلمانان مصر در ششم اکتبر بخاطر از دیاد تدابیر امنیتی در اطراف مراکز

مرجع آماده است و هر لحظه میتوانند آنان را دستگیر نمایند. پس از اعدام انقلابی سادات دولت وارث او این وظیفه سادات را به اتمام رساند. گفته می‌شود که از تاریخ اعدام انقلابی سادات تاکنون علاوه بر ۱۵۳۴ نفر که در روز ۳ سپتامبر دستگیر شده‌اند، بیش از ۱۵ هزار نفر دستگیر شده‌اند، و هر روز بر تعداد دستگیر شدگان مصر افزوده می‌شود.

حساس چون ساختمان بخش رادیو تلویزیون به امر ژنرال ابوغزاله بوده است. لازم به یاد آوریست که ژنرال ابوغزاله در این حادثه جراحات سطحی برداشته بود. دستگاههای خبری رژیم برای آرام ساختن خشم مردم، هر روز انواع و اقسام دروغها پخش نموده و به اصطلاح اسرار جدیدی از اخلال گران افشاء می‌کردند. مجله تایمز چاپ لندن در شماره ۲۶ اکتبر خود بنقل از خبرنگارش در قاهره، می‌نویسد که افشاگرهای روزانه رژیم مصر یک سری حکایت‌های جعلی برای منحرف ساختن اذهان مردم مصر از حادثه ششم اکتبر و سرکوب

می‌شوند. مقامات قضائی مصر ادعا میکنند که این گروه از اعضای «سازمان مذهبی» می‌باشند که در کشور دست به خشونت و حملات مسلحانه می‌زنند.

بنای تبلیغات مطبوعات رژیم مصر، حادثه ششم اکتبر، بر خلاف گزارشات مقامات مصر حادثه کوچک و محدود نبوده بلکه حادثه خیلی مهم و وسیعی بوده است. همچنین شبکه‌های تبلیغاتی مصر اعلام می‌داشتند که گروههای افراطی مذهبی به رهبری سرهنگ دوم «الرموز» برای برقراری یکک رژیم جمهوری اسلامی همانند تاریخ ششم اکتبر دست به کودتا زدند و چنین اظهار میدارند که علت شکست خوردن این اقدام مسلمانان مخالف رژیم مصر، متفجر شدن دو عدد بمب و نداشتن مهمات به اندازه کافی بوده است.

بمحض اینکه مرگ سادات پخش می‌شد، گروههای اسلامی مخالف رژیم به احتمال زیاد قیام کردند و لذا تا بعد از ظهر مان روز مرگ سادات از مردم خفی نگهداشته شد. و به همین دلیل عکس‌العمل و قیام ملت مصر یک روز بعد از حادثه فقط در شهر اسبوت بوقوع پیوست که در نتیجه بنا به

اعتراف خود مقامات دولتی، دولت با بکارگیری کلیه امکانات خود حتی با استفاده از بمباران هوائی در عرض ۳۰ ساعت، قیام مردم اسبوت را سرکوب نمود و در این بین ۱۱۸ نفر کشته شدند ۱۳ اکتبر در منطقه «پیرامیت‌ها» در جنوب غربی قاهره بدنبال یک حمله ناگهانی مأمورین دولتی، دستگیر شد. در تاریخ ۱۷ اکتبر در شهر منصوره میان پلیس رژیم مصر و مسلمانان شهر درگیریهایی به وجود آمد. در ۲۵ اکتبر در قاهره و حومه درگیریهایی زیادی به وجود آمد که ۳ ماه با شدت تمام ادامه یافت.

پلیس مصر اعلام داشت که در عرض یک هفته ۲۳۰ نفر از

# سپیدکوجولو و انگشتر سحرآمیز



ادامه دارد

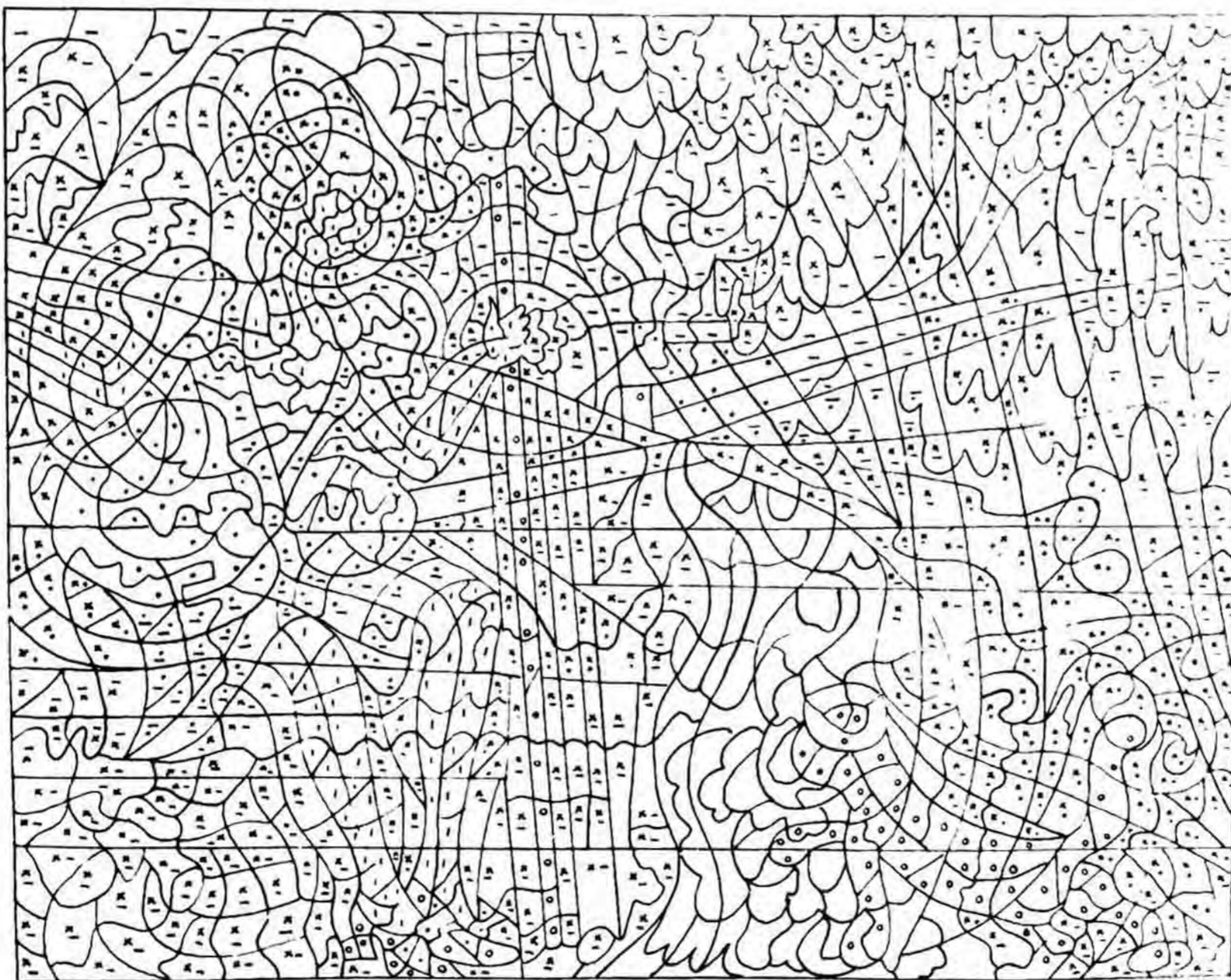
همه پیش در داستان سعید کوچولو و انگشتر سحرآمیز سحرآمیز خواندیم که سعید کوچولو از یک خانواده فقیری بود که به علت بیکاری پدرش هیچ چیز برای خوردن نداشتند و مادرشان تصمیم گرفت سه قواره پارچه‌ای را که از قدیم در صندوقخانه محفی کرده بود بفروشد تا با پول آن غذا تهیه کنند. مادر سعید شانس خود را امتحان کرد اما موفق به فروش پارچه نشد. سعید از پدرش اجازه خواست تا شانس خود را امتحان کند پدرش به او اجازه داد اما سعید که برای فروش پارچه رفته بود به دو پسر بچه بی‌رحم برخورد کرد که بچه‌گره بیچاره‌ای را به بیابان میبردند. دل سعید کوچولو سوخت و از آنها خواست تا بچه‌گره را با پارچه‌اش عوض کنند آنها



## با هم رنگ کنیم

بام خدا

راستی می‌دونی این خطهای درهم و برهم چیه، این هم یک نوع بازی است که مخصوص بچه‌ها و دوستان تو است. حالا نقاشی کرده‌ای، با شکل‌های مدل نقاشی را رنگ کرده‌ای. این هم مثل همان است اما تا وقتی همه جای آن را رنگ نکنی معلوم نمی‌شه که چه شکلی هست. اگر حوصله کنی راه رنگ کردن آن را یادت می‌دهم. دقت کن: همانطور که می‌بینی خانه‌های زیادی داخل این شکل است که هر کدام باید به یک رنگ درسیاید البته بعضی از خانه‌ها هم نباید سفید بماند و هیچ رنگ نشود. نوی هر کدام از خانه‌ها یکجور علامت هست مثل: (۱) - (-) - (x) - (o) - (.) سو باید فقط خانه‌هایی را رنگ کنی که یکی از این علامتها را داشته باشد خانه‌هایی هم که علامت ندارند سفید می‌ماند بعضی از خانه‌ها دو تا علامت دارند و باید برای هر علامت یکبار آن را رنگ کنی. هر کجا علامت (۱) دیدی آنجا را با مداد زرد رنگ کن هر کجا علامت (o) دیدی آنجا را با مداد سیاه رنگ کن هر کجا علامت (x) دیدی آنجا را با مداد قرمز رنگ کن





# بزرگ بانوی اسلام

بسمه تعالی

سلام بر فاطمه (ع) و فرزندش آنکه منتقم است و غالب از نظر شرح حال نخواهم نگاشت، چه آنکه استطاعت نقل سندها و نمونههای شرح حال نویسی را ندارم. بنابراین آنچه را که اینک درباره فاطمه زهرا - که درود خدا بر او باد خواهیم نوشت تا آنجا که ممکن است در آن از کلمه و «نقل از» و از گزارش گونههای تاریخی پرهیز میکنم، بی تردید، فاطمه زهرا (ع) مقامی بسیار والا دارد که سندهای تاریخی از بیان آن عاجزند و گرامی تر از آن است که شرح حال گونهها روح الهی وی را راهنما باشد. فاطمه (ع) را همین بس است که وی دخت محمد (ص) و همسر علی (ع) و مام حسن و حسین (ع) و بزرگ بانوی زنان همه جهانهاست.

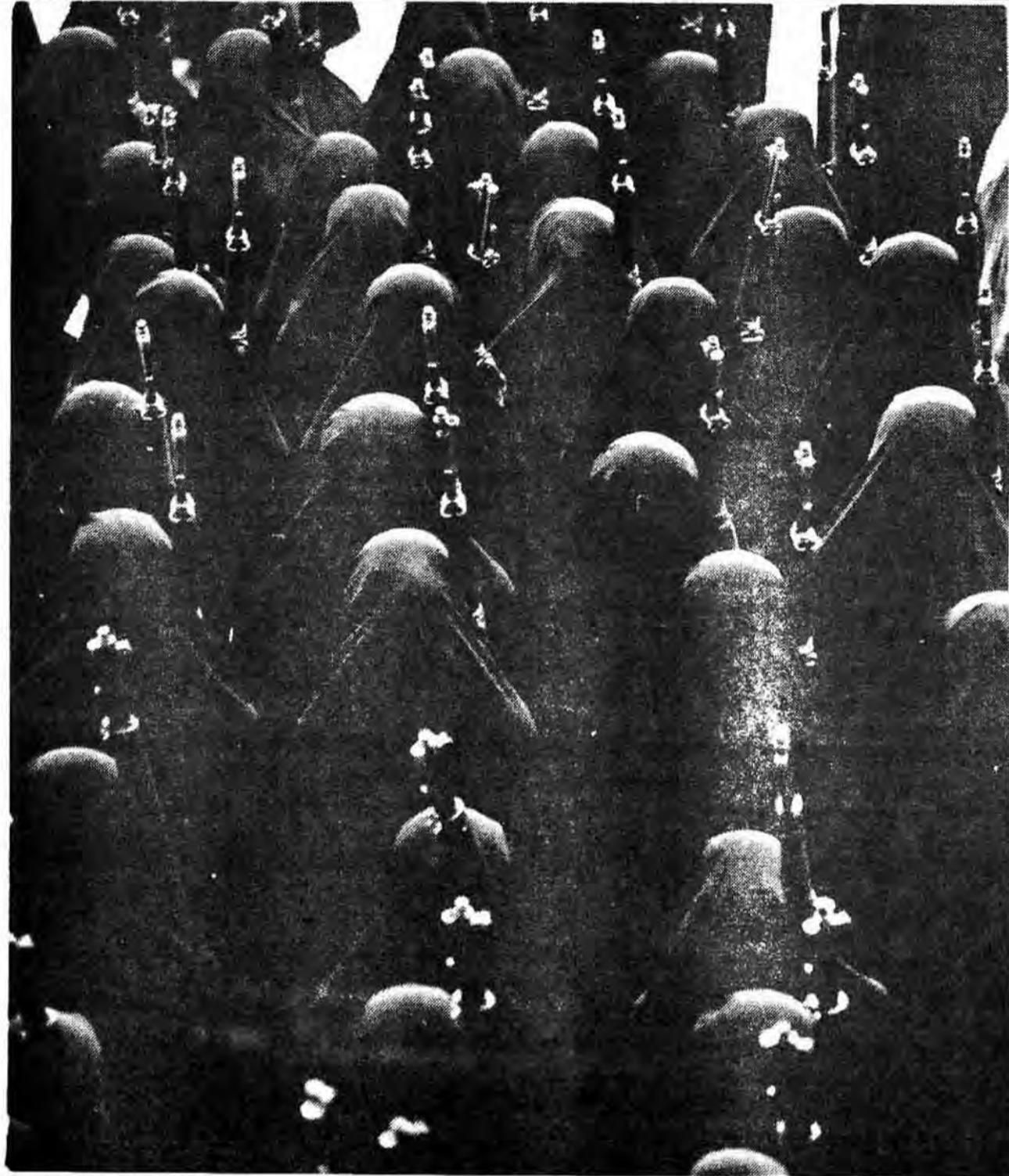
ای بتول، ای مادر پدر خود...  
همانا، نبی را مادر بودی:

که او را با چشم در آغوش کشیدی، با دل او را همراهی کردی، با روح او را در دامن گرفتی، با شوق او را هم آوا بودی.....

پس آرزوهای آسمان در میان مهربانیهای تو شعلهور شد و معانی گران وزن در خانه تو ملتهب گردید..... و بدینگونه، ای دخت بهشت و ای دخت پدر، منصب جانشینی یافتی.

ای پاکیزگی مادری!  
ای کعبه عفاف!  
چه جوانمردی است شوی جوانمرد تو...  
ای آمیختگی مشک با عنبر!  
ای مام دوربجانهای که با آرزوهای نبوت شکل دادند...  
ای کوثر گوارای عترت!  
ای مام فریادگر انقلاب پیروز کربلا...  
ای ناله کرده در فراغ پدر  
و ای فشرده در میان لنگهای درب...  
.... و سرانجام تو ای فاطمه از پای فتادی!  
ای رقت شمشیر!  
ای رقت شعاع خورشید!  
ای رقت شمیم!  
ای نازکی رقائق احساس!

بقیه در صفحه ۱۰



## جدا افتاده از کاروانها...

مرد که دلش بحالمان بسوزد؟  
کجاست یک مرد..... که ما جدا افتاده از کاروانیم.  
حمید گروگان

درست است که هم به خودمان و هم به اجتماعان ظلم کردیم، اما کجاست یک مرد که دست ماها را بگیرد؟ کجاست یک مرد که ما عقبافتادههای قافله را هدایت کند و به بقیه برساند؟ کجاست یک



هر چند صبح یکبار یادمان می افتند و بعد انگار نه انگار! مثل اینکه با چاپ چندتا مقاله در روزنامهها و یکی دوتا مصاحبه در رادیو و تلویزیون مشکل واماده ما حل شده! آنوقت میروند دنبال کارشان، گرچه خودمان هم قبول داریم که مقصریم. خوب، مریضیم دیگر..... چه میشود کرد؟!

بقول معروف وقتی که نشسته هستیم و توی «حلال» میرویم دلمان نمیخواهد هیچکس موی دماغمان شود، اما باور کنید دلمان هم نمیخواهد در کنج فراموشی ببوسیم. دلمان میخواهد یک جوری شر این ماده لعنتی (که خدا باعث و بانیش را لعنت کند) از سرمان کوتاه شود، ولی خودتان بهتر میدانید وقتی آدم معتاد شد به این آسانیها سربراه نمیشود.

آدم معتاد مثل خفاش است، چطور می شود «خفاش» را با «نور» آشتی داد؟

میدانید؟ خفاش کاری به خورشید ندارد، ولی خورشید هر روز خراباش را روشن میکند و هیچوقت با او قهر نیست. این خفاش است که فرار می کند. حالا فرض کنید ما خفاش! شماها چرا بما پشت می کنید و سراغمان نمی آید؟ می خواهید بیشتر توی خودمان برویم و بگوئیم «آب که از سرگذشت چه یک نی چه صد نی؟».

انتظار دارید وقتی ما نگاهایتان بما «تسبیا» می زنید، ما یکمرتبه بخود بیائیم و برگردیم سراغ زندگی؟ کدام زندگی؟ ما که دیگر کسی را نداریم.....

ما هستیم و عریبی! با قهرتان غریبترمان نکنید. راستش ماها یتیم هستیم! یتیم محبتیم! گرچه بارها و بارها به خیلیها دهن کجی کردیم و به خلوت خودمان بازگشتیم، اما اگر کسی دستمان را محکم بگیرد و با نفس گرمش به دل افسرده ما بدمد، شاید جرقه امیدی توی دلمان روشن شود و براه بیائیم. وقتی که شعله کبریت، این گرد لعنتی را میسوزاند و گرممان میکند، چرا شعله محبت شما نتواند تاروپود وجودمان را گرما بخشد؟

بهر حال..... گاهی وقتها که فکر می کنیم، می بینیم خیلی از کاروان عقبیم. با خودمان می گوئیم درست است که مستحقیم، درست است که داریم چوب ندانم کاریها و اشتباهاتمان را میخوریم،